

نبرد خلق

شماره ۲۸۹
دوره چهارم سال بیست و پنجم
اول مرداد ۱۳۸۸
آمریکا کانادا ۱ دلار،
اروپا یک یورو

کارگران همه ی
کشورها
متحد شوید

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

یادداشت سیاسی

تنها راه، عبور از رژیم ولایت فقیه و قانون اساسی آن است

مهدی سامع
سرانجام روز دوشنبه ۸ تیرماه ۱۳۸۸ شورای نگهبان تحت امر ولی فقیه طی نامه‌ای به وزیر کشور صحت دهمین دوره انتخابات «حماسی و شکوهمند» ریاست جمهوری اسلامی را «متعاقب بررسیها و رسیدگیهای دقیق و همه‌جانبه» تأیید کرد.
پیرامون «شکوهمند» و «حماسی» بودن این انتخابات قلابی به همین بسنده می‌کنم که بر طبق گزارشهای متعدد و منجمله گزارش تفصیلی کمیته صیانت از آرای آقای موسوی که در روز ۱۳ تیر منتشر شد
«در ۷۰ شهر و شهرستان ایران بیش از صد در صد شرکت کرده و در ۱۷۰ شهر و شهرستان کشور بین ۹۵ تا ۱۴۰ درصد واجدان شرایط شرکت کرده...» و «وجود بیش از ۵۰ هزار مهر انتخاباتی اضافی در کنار دهها میلیون برگه رأی مازاد شائبه وجود میلیونها رأی تقلبی در صندوقها را تقویت می‌کند.» بنابراین این «منطقی و قابل قبول» است که دارودسته خامنه‌ای و منجمله شورای نگهبان تحت امر او از «شکوهمند» و «حماسی» بودن این انتخابات قلابی دم بزنند، چرا که کاخ متزلزل سلطنت مطلقه خامنه‌ای برای در بن بست قرار دادن رقبا نیاز به محکم کردن پایه انتخابات قلابی دارد.

بقیه در صفحه ۲

سرمقاله

بن بست راهکار "اصلاح نظام"، خروج از کدام سو؟

منصور امان

اگر چه انبوه کسانی که خیابانهای شهرهای بزرگ کشور را با شعار "مرگ بر دیکتاتور" به تسخیر خود درآورده اند مدت‌هاست از مراسم برگماری رییس دفتر "آقا" از بین نامزدهای منتخب شورای نگهبان گذر کرده اند اما برای بخشی از مشتاقان همیشگی مشارکت انتخاباتی، این ماجرای نه چندان ارجمند و حیثیت آور پایان نیافته است؛ امری که در مرتبه نخست به دلیل پرسشهای آزار دهنده ای است که از همه سو متوجه آنها گردیده و پاسخی قانع کننده ای برای عرضه نمی یابند. آنگاه که در نخستین واکنش به تقلب گستاخانه آقای خامنه‌ای، صدها هزار تظاهر کننده خشمگین از دعوت کنندگان خود به بازی انتخابات خواستار شدند که رأی آنها پس گرفته شود، کمتر کسی مایل بود جای خود را با طیف متر کنندگان "طرفتهای نظام" (از باند اصلاح طلبان حکومتی بگیرد تا مشتریان کم توقع پُچلهای "مردمسالاری دینی" در خارج کشور) عوض کند.

بقیه در صفحه ۲

همراه با خانواده های

دستگیرشدگان و ناپدیدشدگان

برای آزادی زندانیان سیاسی

صفحه ۲۰

ضرورت تشکیل کمیته بین المللی

تحقیق و پیگیری وضعیت

بازداشت شدگان و مفقودین

صفحه ۲۰



اسامی تعدادی از شهدای

قیام مردم ایران

هر شب ستاره ای به زمین می کشند و باز

این آسمان غمزده غرق ستاره هاست

در صفحه ۱۵

جنبش شهروندان آزاد در

موقعیت انقلابی

جعفر پویه

«تسخیر خیابانها توسط مردمی با اراده و مصمم به معنی بیرون آوردن آن از چنگ نیروهای سرکوبگری است که تحت نام طرحهای مختلف سعی داشتند حاکمیت بلامنازع خود را بر آنها به رخ همگان بکشند.»

در صفحه ۱۱

جهان در آینه مرور

خیزش در ایران، مارکسیسم

علیه مرده ریگ جنگ سرد (۱)

لیلا جدیدی

در صفحه ۷

رویدادهای هنری

لیلا جدیدی

در صفحه ۱۸

تشدید بیکاری و تورم

برخی از مهمترین حرکت‌های

اعتراضی کارگران و مزدبگیران در

خرداد و تیر ۱۳۸۸

زینت میرهاشمی

در صفحه ۴

سرنگون باد رژیم استبدادی - مذهبی ولایت فقیه با تمام دسته‌بندیهای درونی آن، هر چه گسترده‌تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی

یادداشت سیاسی

تنها راه، عبور از رژیم ولایت فقیه و قانون اساسی آن است

مهدی سامع

برتابید و در سخنرانی روز دوشنبه ۲۹ تیر خود به شدت به رفسنجانی، بدون ذکر نام او، حمله کرد.

گرچه سخنرانی خامنه ای بیشتر تهدید بود تا اعمال قدرت و گرچه خامنه ای می داند که علیه ولایت او جبهه گسترده ای گشوده شده است، با این حال او با گفتن این که «هر فردی با هر عنوان و موقعیتی، اگر بخواهد جامعه را به سمت نا امنی سوق دهد از نظر عموم ملت ایران انسان منفوری است»، و با گفتن این که «نخبگان مراقب باشند، زیرا در امتحان عظیمی قرار گرفته اند و موفق نشدن در این امتحان تنها مردود شدن نیست، بلکه موجب سقوط آنان خواهد شد»، کارت قرمز جدی به رفسنجانی نشان داد. اما او قادر نشد رفسنجانی را از صحنه خارج کند و بنابراین دم زدن از سقوط در شرایط ناتوانی به باز شدن هرچه بیشتر شکاف در هرم قدرت می شود. مردم ایران در روز ۳۰ تیر قیام خود را به قیام مردم ایران در ۳۰ تیر سال ۱۳۳۱ پیوند زدند.

طرح رفراندوم از جانب مجمع روحانیون مبارز در روز ۲۸ تیر که خاتمی هم روز ۲۹ تیر بر آن تاکید کرد این شکاف را بیشتر و تضاد در میان بالاییها را تشدید کرد.

مردم ایران از روز ۱۳ خرداد که شاهد مناظره موسوی و احمدی نژاد بودند به درستی دریافته اند که یک شکاف جدی در ولایت خامنه ای به وجود آمده است. انباشت ناراضی، تشدید تضادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و خواست تامین حق حاکمیت مردم با اعلام نتایج انتخابات قلابی فوران کرد. خیزش و قیام مردم و خونی که از زنان و مردان میهن ما طی ۵ هفته گذشته بر زمین ریخته شده، شکاف درون قدرت را بازهم بیشتر کرده است. شرکای قدرت که امروز در موضع مغلوب قرار دارند تلاش می کنند که بحران انقلابی را به بحران قانونی تبدیل کنند. اما مردمی که با چشمان باز و با گوشت و پوست و استخوان و خون خود قانون در جمهوری اسلامی و رژیم ولایت فقیه را حس کرده اند، با قیامها و خیزشهای خود به سوی سرنگونی استبداد مذهبی پیش می روند. ابطال انتخابات قلابی و برگزاری انتخابات آزاد، دمکراتیک و عادلانه تحت حاکمیت مردم و زیر نظارت نهادهای مستقل ایرانی و بین المللی مسیر مسالمت آمیز گذار از استبداد مذهبی است که می تواند در صحنه داخلی و جهانی بیشترین حمایت را جلب کند. با ادامه قیام مردم و تشدید تضاد و ایجاد شکاف در درون هرم قدرت و ثروت باید از افکار عمومی و دولتهای جهان درخواست کرد که با تحریم همه جانبه رژیم ایران و عدم همکاری با این رژیم، به مردم ایران برای تحقق آزادی یاری رسانند.

جامعه، که اینجانب نیز یکی از آنان هستم، مشروعیت سیاسی آن را نمی پذیرد. موسوی در ادامه بیانیه می نویسد، «من نمی توانم بر سر حقوق و آرای پایمال شده مردم معامله یا مصالحه کنم. مساله جمهوریت و حتی اسلامیت نظام ماست. اگر در این نقطه ایستادگی نکنیم، دیگر تضمینی نداریم که در آینده با حوادث تلخی نظیر آنچه در انتخابات کنونی گذشت روبرو نباشیم».

پایان پروسه قانونی به معنی پایان قیام نبود. پروسه قیام که از روز ۲۳ خرداد آغاز شده بود ادامه یافت. این پروسه بر بستر عدم توانایی قدرت سیاسی برای اعمال حاکمیت به شکل سابق و عدم خواست مردم برای زندگی به شکل گذشته و وجود روانشناسی تغییر در میان مردم شکل گرفته و هنوز ادامه دارد. روز ۱۸ تیر قیام با شعار «مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه ای» جلوه با شکوه خود را با شرکت زنان و مردان فداکار ایران زمین نشان داد. از این نقطه تلاش نیروهای درون هرم قدرت و ثروت برای راهی از بحران دو چندان شد.

در نماز جمعه روز ۲۶ تیر که به همه چیز شبیه بود جز نماز جمعه های ولایتی، رفسنجانی کوشید تا با رعایت دقیق خط قرمزها راه حل مطلوب خود و یا به بیان دقیق تر راه حل بخشی از بورژوازی ایران که یکه تازی و انحصارطلبی باند نظامی-امنیتی را بر نمی تابد به روی میز ولی فقیه قرار دهد. در گذشته وی از طریق مذاکرات پشت پرده یا راه حلهای خود را پیش می برده و یا با سکوت و خریدن زمان منتظر شرایط مساعد می شد. اما این بار ابعاد قیام و عمق و وسعت آن فرصت زیادی در اختیار او قرار نداد و رفسنجانی مجبور شد به شکل علنی و با تأیید بحران و تأیید عدم اعتماد به حکومت و اعتراف با این که در رویدادهای اخیر همه جناحهای حکومت زیان دیده اند، چند راه حل ساده و موقت به شمول آزادی زندانیان سیاسی و آزادی رسانه های خودی ارائه دهد. براینست سخنان رفسنجانی و حضور انبوه مردم و شعارهاشان عقبه شکاف سنج در درون حکومت را به سمتی سوق داد که امکان سازش بالاییها را محدود و محدودتر کرد و به همین دلیل پیشنهادت ساده و در چارچوب حفظ مصلحت رژیم را هم، خامنه ای

آن پای می فشارد، فاقد مشروعیت و وجاهت قانونی است.»

یک روز قبل از تأیید شورای نگهبان آیت الله طاهری اصفهانی طی بیانیه ای اعلام کرد که: «بنده به عنوان یک روحانی کوچک، همصدا با اکثریت مردم رای یاخته، این انتخابات را مخدوش و آن را باطل و تصدی مجدد رئیس دولت را برای دور بعد نامشروع و غاصبانه می دانم.»

حزب کارگزاران سازندگی نزدیک به هاشمی رفسنجانی در روز دوشنبه ۱۵ تیر اعلام کرد که: «به دلیل ناسالم بودن روند برگزاری انتخابات، تخلفات گسترده در برگزاری انتخابات و نیز جانبداری اکثریت اعضای شورای نگهبان از یک کاندیدای خاص، نتایج این انتخابات مورد پذیرش نیست.»

روز ۹ تیر مهدی کربوبی یک بیانیه منتشر کرد. در ابتدای این بیانیه نوشته شده: «از مردم ایران عذرخواهی کنم؛ هم به خاطر چندین ماه اصرار و ابرام برای حضور در انتخابات ریاست جمهوری.» در ادامه این بیانیه آمده است: «باید اذعان کنم که مردم و برخی کارشناسان و صاحب نظران بهتر از ما شرایط انتخابات را می شناختند و به کرات بی حاصلی برگزاری انتخابات و حساب کردن روی آرای مردم را یادآوری می کردند که مجدانه بابت این حسن ظن به مسئولین از مردم عذرخواهی می کنم.»

شیخ مهدی کربوبی در مورد نتیجه انتخابات اعلام می کند که: «با ساز و کاری که قبل از انتخابات و توسط دولت و شورای نگهبان و برخی نهادهای عمومی انجام شده و نیز نحوه اجرای انتخابات و دخالتهای دولت و نمایش شکایت پذیری و بازشماری آرای شورای نگهبان و وقایع بعد از آن را عاملی در جهت باطل بودن انتخابات می دانم و بر همین اساس دولت برآمده از آن را دارای مشروعیت و مقبولیت نمی دانم و در هیچ برنامه ای از جمله تفیذ و تحلیف آن شرکت نخواهم کرد.»

در روز ۱۰ تیر میر حسین موسوی پیرامون اعلام تأیید نتایج انتخابات توسط شورای نگهبان بیانیه شماره ۹ خود را صادر کرد. در این بیانیه که نسبت به موضع گیری مهدی کربوبی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بسیار ضعیف تر است آمده است: «از این پس ما دولتی خواهیم داشت که از نظر ارتباط با ملت در ناگوارترین شرایط به سر می برد و اکثریتی از

بقیه از صفحه ۱

یک روز بعد سخنگوی شورای نگهبان در یک نشست مطبوعاتی اعلام کرد که: «مرجع نهایی بررسی انتخابات، شورای نگهبان است که با اظهار نظر این شورا پرونده انتخابات مختومه شد و اعتراض و شکایتی پس از آن در هیچ نهادی از بعد انتخاباتی قابل رسیدگی نیست.» بر اساس گفته این سخنگو «صحت انتخابات به اتفاق آرا تأیید شده است.

اما موسوی و کربوبی و جریانهای طرفدار آنها تصمیم شورای نگهبان را تأیید نکرده و این عدم تأیید سبب شد که آنها خواسته و یا ناخواسته به نوعی و به میزانی از پروسه «قانونی» فاصله بگیرند و همین امر نشان می دهد که این بحران نه یک بحران قانونی که بحران انقلابی است.

مجمع روحانیون مبارز پیرامون تصمیم شورای نگهبان طی بیانیه ای در تاریخ ۸ تیر منتشر شد اعلام کرد که: «ما معتقدیم اعتماد آسیب دیده مردم با اظهار نظر مرجعی که اکثریت اعضای آن از پیش جانبداری بی پرده خود را نسبت به یک نامزد اعلام کرده اند، در مورد نتایج انتخابات ترمیم نخواهد شد.» این مجمع که برخلاف دوم خرداد توانسته در انتخابات اخیر به موج سوار شود و اوضاع را به زیان کل نظام ارزیابی می کند نتیجه گرفته که: «مردم بزرگوار نباید بیش از این هزینه بپردازند و معتقدیم هیجانات فزاینده و اعتراضات خیابانی راه کار نیست. ما همه را به آرامش دعوت می کنیم.» و البته این دعوت بی پاسخ می ماند و اعتراضها و به بیان دقیق تر قیام همچنان ادامه می یابد.

روز ۹ تیر سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی طی بیانیه ای اعلام کرد که: «با توجه به ترکیب اعضا و عدم استقلال شورای نگهبان، به ویژه پس از تأیید صریح انتخابات از سوی رهبری و حمایت ایشان از احمدی نژاد، آن هم در مهلت قانونی بررسی صحت انتخابات از سوی شورای نگهبان، توفقی جز تأیید صحت انتخابات از سوی این شورا نمی رفت.» این جریان ضمن اعتراف به این که «با اعلام نظر شورای نگهبان پرونده انتخابات آزاد تا آینده ای نامشخص بسته شد» نتیجه می گیرد که: «دولت برآمده از انتخاباتی که ملت صحت آن را نپذیرفته و بر ابطال

سرمقاله

بُن بست راهکار "اصلاح نظام"، خروج از کدام سو؟

منصور امان

بقیه از صفحه ۱

شرکت در انتخابات، تاکتیک یا استراتژی؟

این فقط به دلیل آگاهی بر ناتوانی ورنشکستان به تقصیر به بازپرداخت این بدهی هنگفت به طلبکاران پُر شمار نمی تواند باشد. بیشتر از آن، ترند آقای خامنه ای فروش را چندان با شدت از زیر پای خرد فروشهای بازار "نظام" کشیده است که آنها هنوز به دُرستی نمی دانند کجا باید بساط خود را پهن کنند. این دُرست که آقای موسوی دکان تخته شده ی "امام راحل" را به عنوان مقصد نشان می دهد اما چنین نمی نماید که شمار کسانی که مایلند گریزگاه وی را به عنوان منزلگاه بعد از ولی فقیه، خامنه ای جدی بگیرند، زیاد باشد.

"اصلاح طلبان" خارج کشوری همین احساس سرگردانی را فقط با اندکی شدت بیشتر با "اصلاح طلبان" حکومتی تقسیم می کنند. برای این دسته، توضیح سیاست خود به ویژه از آن رو مشکل تر است که برخلاف آقای موسوی که خود را بخشی از "نظام" معرفی می کند و به این اعتبار، مشارکت در آداب و ترتیبات آن را - لابد - واجب کفایی می داند، اینان بدون هیچ گونه اجبار به حفظ چیزی و از جمله "نظام" یا هراس از مواجه شدن با تنبیه سیاسی و امنیتی در صورت خودداری از برق انداختن جعبه های انتخاباتی آقای خامنه ای، به شریک پُر حرارت کاندیدایی تبدیل شدند که در انتها آقای احمدی نژاد از آب درآمد!

دست کم پس از این که حجت الاسلام کروبی اعتراف کرد که در ارزیابی خود از مکانیزم انتخابات اشتباه کرده است و تحلیل کسانی که بر نمایشی بودن آن اشاره می کردند را "دُرست تر" دانست، برای کلیه پیشخدمتهای سور انتخاباتی "آقا" چه در داخل و چه در خارج مُناسبت ترین هنگام برای تصفیه حساب جدی با این راهکار و مادی کردن درسهای عبرت انگیزش در سیاست جاری خود فرا رسیده بود. چه، این انتقاد از خود از سوی یکی از کارگزاران درجه اول "نظام" صورت می گرفت و نشستن در کنار وی، هزینه اشتباه را می توانست به خوبی تخس کرده و مانع تمرکز نورافکنها بر آنها شود.

جریان رویدادها نشان داد که شرکای انتخاباتی آقای خامنه ای توانای فاصله گرفتن از خط مشی سنتی خود را ندارند. بخشی به دلایل عمل گرایانه و دسته ای دیگر که بیشتر در میان مُماشات گران خارج کشور یافت می شوند، به دلیل هزینه سنگین سیاسی و تشکیلاتی اعتراف به شکست استراتژی خود. از این عزیمتگاه است که تعرفه پُرکنها برای توجیه چکههای پی محلی که کشیده اند به راه می افتند و با خطی کج و معوج زیر توضیحاتی که بین ساده لوحی و وقاحت در نوسان است را امضا می گذارند. رایج و محبوب ترین سوراخ فرار، شاهد گرفتن حضور مردم در خیابانها به عنوان سند دُرستی بازی در نمایش انتخابات طبق سناریوی خامنه ای - جنتی است.

دعوت به مراسم رای گیری، پلاتفرم علیه تغییر

فقط در سرزمین عجایب، جایی که منطق آقای "هاله نور" چپ و محتوای بحثها را تعیین می کند، می شود کاسه گدایی از دستگاه قدرت را پرچم شورش و اعتراض بدان جلوه داد. این همان معجزه ای است که "اصلاح طلبان" حکومتی و پیروان خارج کشوری آنها سوگند می خوردند که نازل کرده اند. بر اساس این ادعا، گویا دعوت آنها+قلب باند رقیب+سرخوردگی مردم+اعتراض همگانی، اجزای یک نقشه به دقت طراحی شده از جانب آنها بوده است و به اتکالی همین شعبده بازی خواهان آن می شوند که کسانی که ایفای نقش تماشاجی گرد معرکه را تحریم کرده بودند، اکنون می بایست در برابر نوع استراتژیستهای جنگ زیرزمینی انتخاباتی کلاه از سر بردارند. گفته می شود اگر دعوت به شرکت در انتخابات نبود، اکنون نیز مردم نیز دست به اعتراض نمی زدند و خیزشی هم بر پا نمی شد. و توضیح داده می شود که اگر کسی پای صندوق نمی رفت، سرخورده هم نمی شد و فریاد بر نمی آورد.

به این استدلال می توان بدون نگرانی مدال درجه یک شارلاتانیسم داد. چون هیچ کس به یاد ندارد، جایی نخوانده و ندیده که "اصلاح طلبان" در لفافه یا به صراحت هدف از دعوت مردم به نمایش "آقا" را سرخورده کردن آنها و بدین وسیله برانگیختن شان به اعتراض جمعی

خیزش اجتماعی با پوزخند از کنار این بساط گذشت و فروشندگان آن را مات و سرگردان به جا گذاشت اما اینان وانمود می کنند که توده میلیونی، آنهایی که در برابر تیغ و چماق و گلوله ی ششلول بندها و چاقوکشهای آیت الله خامنه ای سینه سپر کرده اند تا فریاد "مرگ بر دیکتاتور" سر بدهند را خنزر پنزرهای آنها به خیابان کشانده است.

مردم در تجربه ی عملی خود به نتایجی برخوردار کردند که با تصویر آرایه شده به آنها از "شرکت حداکثری"، "مشارکت مدنی" و "جُز آن به کلی متفاوت بود. همه کسانی که - چه با ثبت بر برگه و چه با فاصله گرفتن از صندوق - با ذهنیت و خواست تحول، انتخابات "نظام" را بر تماشاگاه نگاه نشانند، شاهد این ناهمگونی بودند و یک عامل قوی جوشش جامعه، تمام تحقیر و توهینی بود که از این راه بر سر تک تک اعضای آن فرو ریخت. از این بابت، طیف "اصلاح طلب" و نمایش دهندگان گوساله طلایی انتخابات به سهم خود یک معذرت خواهی به مخاطبان خویش به طور ویژه و مردم ایران به طور عام بدهکارند.

اهمیت بحث

نقد گذشته و نه بُشت رو کردن تصویر آن، ساده ترین روش اخلاقی و عملی برای جلب اعتماد و اطمینان دادن در مورد پرهیز از تکرار اشتباهات مُشابه است. اشاره به این امر از آن رو ضروری ست که همچنان مُعاده های بسیاری وجود دارد که می توان آنها را به اشتباه یا با انگیزه پاشیدن خاک به چشمها جمع و تفریق کرد. "بازگشت به دوران خمینی"، "تقویت جمهوریت نظام" یا "رعایت چارچوبهای قانونی" از این جمله هستند.

جُنش اعتراضی جوانان، زنان و مردان کشور نه به لحاظ مضمون و نه از نظر شکل هیچ خویشاوندی با "پروژه اصلاح طلبی" ندارد. این جُنش ادامه، محصول یا زایده ی هیچ تدبیری نیست که قُطب نمای "حفظ نظام" جهت آن را تعیین می کند. تنها کافی است به پروسه رُشد آن تنها در عرض چند هفته نگرسته شود تا مفهوم این واقعیت و چشم انداز آن به تمامی آشکار گردد.

این ویژگی برای روشن کردن مسیری که جُنش دموکراتیک به سمت آن حرکت می کند کافی است. مُطالبات جُنش - حتی ابتدایی ترین آنها مانند ابطال انتخابات - از میزان گنجایش ساختاری "نظام" و سطح آمادگی آن برای سازش هر چند موقتی فراتر می رود. تجربه هشت سال "اصلاحات" آقای خاتمی نیز چیزی جُز این را به دست نمی دهد. بُشت سر گذاشتن استبداد دینی و حرکت به سوی آغازی نو یک ضرورت اجتماعی است. این مترژ و معیاری است که با آن ادعاها محک زده می شود.

علیه حکومت عُنوان کرده باشند. برعکس، آنها دعوتنامه خود را با "شور و شوق انتخاباتی"، "مشارکت مدنی"، "تعیین سرنوشت خود پای صندوق" و "جُز آن قاب گرفته بودند. چارچوبهای این طیف نه تنها فُکاهه ی شورای نگهبان و وزارت کشور را جدی نشان می دادند بلکه، تنور باند ولایت را با اطمینان بخشیدن در مورد جنس نانی که در آن پخته می شود، فعالانه باد می زدند. آنان به صورت آگاهانه در میان مردم این توهم را دامن می زدند که در صورت "مشارکت حداکثری"، اراده رای دهندگان مُحترم شمرده خواهد شد و بدین وسیله آنها را به سوخت ارزان برای ماشین مشروعیت سازی "نظام" تبدیل می کردند.

یک تعظیم در برابر "مکانیزم معیوب انتخابات" و یک تعظیم به "تغییر" توسط آن، هر چیزی جُز نقشه خیزش و تدارک برای سازماندهی اعتراض است. بسا بیشتر و با توجُه به تجربه انتخابات فرمایشی زیر پرچم نظارت استصوابی و "نیروهای غیبی"، فراخوان شرکت در چنین بالماسکه ای در حقیقت پلاتفرمی برای خنثی کردن پتانسیل اعتراضی جامعه و از موضوع انداختن ضرورت آغاز "تغییر" به معنای واقعی آن یعنی، خارج از قواعد بازی "نظام" است.

همدستان انتخاباتی آقای خامنه ای، موضوع واقعی سیاست یا آنچه که می توان به مثابه یک احتمال واقعی در دستور کار گذاشت و در جهت تحقق آن بسیج شد را "اصلاحات" و به گونه مُشخص، تحول از طریق انتخابات وانمود می کردند. آنها نه فقط اکنون بلکه، در تمام دوره هایی که با وعده های غیرممکن و فریبنده برای صندوقهای "آقا" مُستری جلب می کردند، قاطعانه و هدفمند به جنگ همان جُنشی که امروز ستایش گر و دُباله رو آن شده اند، برخاسته بودند. "اصلاح طلبان" حکومتی و بیرون از آن از طریق بخش و تبلیغ اتویپایی فاسد کننده ی "اصلاحات" در چارچوب نظام "تمام تلاش خود را برای حذف راهکار و ابتکار اجتماعی به کار بستند. آنان برای توصیف دلاوری، توانایی و هوشیاری واقعیتی واژه کم می آورند که سالها و تا چند هفته پیش از این، به آن مارک ناسازگاری با روحیه مردم و بی ارتباط با موقعیت حقیقی سیاسی جمهوری اسلامی می زدند.

تشدید بیکاری و تورم

زینت میرهاشمی

بیشتر، و از بین رفتن تولیدات داخلی به علت ناتوانی در برابر قیمت‌های وارداتی، در نتیجه بیکاری گسترده شد.

علیرضا محبوب دبیر شکل حکومتی «خانه کارگر» اعتراف کرد که «در سال ۸۸، مرگ و میر واحدهای صنعتی در کشور بر زایشها پیشی خواهد گرفت.» وی همچنین به تعطیلی ۴۰۰ واحد صنعتی و بیکاری ۲۰۰ هزار کارگر در کشور اشاره کرده است.

بر اساس داده‌های آماری نشریه «برنامه» ارگان «معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری»، واردات در دوره ۴ ساله اخیر نسبت به دوره ۴ سال قبل، ۱۰۹/۵ درصد رشد داشته است. (منبع ایلنا اول مرداد)

بر اساس همین داده‌ها، «میزان کالاهای وارداتی مصرفی نیز از رقم ۱۲۵۷۸ میلیون دلار در دوره ۴ ساله ۸۳-۱۳۸۰ به رقم ۲۶۳۶۲ میلیون دلار در دوره ۴ ساله ۸۷-۱۳۸۳ افزایش یافته است.

یکی از طرح‌های احمدی نژاد تاسیس شرکت‌های زود بازده بود که این سیاست نه تنها بیکاری را پایین نیاورد بلکه با هزینه‌های زیاد سرانجامی نداشت.

بر اساس آمارهای نمادگرهای بانک مرکزی «ارزش سرمایه گذاری مورد نیاز برای تاسیس واحدهای جدید صنعتی ۲۵۳ هزار و ۳۷۹ میلیارد ریال در سال ۸۷ بود که نسبت به دوره مشابه سال ۸۶، ۱۸/۳ درصد کاهش نشان می‌دهد.

در ماهی که گذشت حمایت‌های بین المللی در دفاع از حقوق کارگران و مزدبگیران در ایران جریان داشت.

نمایندگان و اعضای ۴ اتحادیه بین المللی صنفی در بیش از ۲۰ کشور جهان، روز آدینه ۵ تیر ماه را روز همبستگی با مردم ایران و نیز کارگران ایرانی اعلام کرده و در بسیاری از کشورها بدین مناسبت گردهمایی برگزار شد. این همایش بین المللی با حمایت سازمان عفو بین الملل، در نیوزلند، استرالیا، ژاپن، اندونزی، هند، نروژ، هلند، بلژیک و ایتالیا برگزار شد. شرکت کنندگان در این همایش‌های جهانی حمایت خود را از خواسته‌های کارگران، دفاع از حق تشکیل اتحادیه و سندیکا، آزادی بیان و حقوق بشر اعلام کردند.

در حالی که مردم ایران با قیامشان همچون خورشید در رسانه‌ها و افکار عمومی جهان درخشیدند، احمدی نژاد با سخنپراکنی‌های خود، مورد تمسخر افکار عمومی قرار گرفت. وی روز ۱۶ تیر ادعا کرد که «در سطح بین المللی هم اکنون جایگاه بالایی داریم.» مردم ایران طی چند هفته گذشته با جنبش خود چهره منفور رژیم را در جهان به نمایش گذاشتند. اما از نظر اقتصادی بر اساس تحلیلهای کارشناسان رژیم، ادعاهای پوشالی احمدی نژاد برای فریب تر شدن چپاولگران وابسته به حکومت بوده است.

احمدی نژاد با پول نفت بشکه ای حدود ۱۵۰ دلار، سیاست گداپرووری را در برابر مبارزه کارگران و مزدبگیران برای کسب حقتان پیش گرفت. طرح یارانه‌های مستقیم که هیچگاه به عمل نیبوست، پخش سیب زمینی و عیدی به دیدار کنندگان با او، هیچ کدام آنها نتوانست برای او محبوبیتی بیاورد و در نتیجه وی باز هم مجبور شد از صندوق ولایت فقیه سرش را بیرون بیاورد.

حتا بر اساس آمار نهادهای وابسته به حکومت، تورم بالای ۲۵ درصد است و نرخ بیکاری بالای ۲۰ درصد، وضعیت مردم هر روز وخیمتر شده و ناتوانی رژیم در برابر بحران اقتصادی افزایش یافته است. فاروق کبخسروی بابامیری، رئیس کمیسیون تجارت اتاق ایران در رابطه با وضعیت وخیم اقتصادی گفت: «نرخ تورم کشور در طی دوره ۴ ساله وضعیت نگران کننده ای را نشان می‌دهد و در میان کشورهای منطقه بدترین وضع را دارد.» ایلنا ۳۰ تیر ۸۸

ایلنا اول مرداد در گزارشی با عنوان «اقتصاد به سختی نفس می‌کشد» به دیدگاه‌های تیم اقتصادی دولت احمدی نژاد پرداخته است. این تیم چند نکته را در رابطه با وضعیت اقتصادی پیش روی وی اعلام کرده است. در رابطه با تحقق وعده‌های احمدی نژاد مانند کنترل تورم و کاهش نرخ بیکاری آن را «ماموریتی غیر ممکن» اعلام کرده است. بر اساس همین نوشته، تیم اقتصادی دولت دهم نباید «امید چندانی به جلب سرمایه‌گذارهای خارجی در کشور» داشته باشند.

رشد نقدینگی بر اثر افزایش بهای نفت خام بدون به کارگیری آن در رشد تولید داخلی، منجر به واردات

برخی از مهمترین حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در خرداد و تیر ۱۳۸۸

*در پی انتشار اخبار و گزارش تصویری مربوط به تجمع کارگران معترض یکی از شرکت‌های زیرمجموعه خودروسازی سایپا، روابط عمومی این شرکت جوابیه‌ای را به دفتر ایلنا ارسال کرد. به گزارش ایلنا جوادآشتیانی، مدیر ارتباطات این شرکت در نامه خود می‌نویسد: «بدین وسیله هرگونه اخراج کارمندان و کارگران مشروحه در یک سال گذشته تکذیب می‌گردد.»

ایلنا در مقابل این نامه توضیح می‌دهد که «به روایت عکسها و اخبار این خبرگزاری، تجمع کارگران حقیقت داشته است. این خبرگزاری در خبر خود اعلام کرده بود که، در پی تجمع صبح روز ۳ خرداد کارگران یکی از شرکت‌های زیرمجموعه خودرو سازی سایپا در مقابل کارخانه سایپا، کارفرمایان این کارگران توانستند با وعده عقد قرارداد کار تجمع کنندگان معترض را قانع و از ادامه تجمع منصرف کنند.

*روز ۶ خرداد تعدادی از کارگران لوله سازی خوزستان در اعتراض به عدم دریافت حقوق خود در مقابل دفتر سهامداران این کارخانه در شهر اهواز تجمع کردند.

*به گزارش ایلنا کارخانه لوله سازی خوزستان ۴۷۰ کارگر رسمی دارد و این کارگران از آبان ماه سال گذشته تاکنون حقوق خود را دریافت نکرده اند.

*به گزارش ایلنا در پی بی‌نتیجه بودن تجمع روز ۹ خرداد کارگران لوله سازی خوزستان، جمعی از کارگران این شرکت روز ۱۰ خرداد درمقابل استانداری تجمع کردند.

*در اعتراض به ۳ ماه حقوق معوقه روز دوشنبه ۱۱ خرداد کارگران «فرش پارس» در مقابل استانداری قزوین تجمع کردند. به گزارش ایلنا به کارگران این کارخانه ۳ ماه است که حقوق داده نشده است. کارخانه فرش پارس ۲۸۰ کارگر دارد.

*جمعی از کارگران کارخانه روغن نباتی پارس قو روز ۱۱ خرداد در اعتراض به اخراج برخی کارگران، تجمع کردند.

به گزارش ایسنا، نماینده کارگران تجمع کننده با بیان این که سیاست مدیر عامل کارخانه این است که ۳۰۰ نفر از پرسنل را اخراج کند گفت: پیش از عید امسال ۸۰ نفر از کارگران اخراج شدند و این در حالی است که هم اکنون ۵۷۰ نفر در این کارخانه مشغول به کارند.

*بیش از ۳۰۰ کارگر از کارگران کارخانه قند بردسیر صبح روز یکشنبه ۱۰ خرداد بعد از این که از پیگیری‌های مستمر به ارگانها و مقامات دولتی هیچ جوابی نگرفتند جاده سیرجان به کرمان را مسدود کردند و به همراه زن و فرزندان خود در جاده متحصن شدند.

به گزارش آژانس ایران خبر یکی از کارگران گفت که ما چاره دیگری نداشتیم و در عمل دیدیم که از فرماندار تا استاندار و تا رئیس جمهور هیچکسی به فکر ما کارگران نیستند و حتی به حرفهای ما گوش نمی‌دهند چه رسد که مشکل ما را حل کنند.

*کارگران کارخانه روغن نباتی قو روز یکشنبه ۱۰ خرداد در چهار راه چیت سازی تهران تجمع اعتراضی برگزار کردند. تجمع کنندگان خواستار پرداخت حقوق عقب افتاده خود شدند. نیروی سرکوبگر انتظامی در محل حاضر شد و به تهدید کارگران پرداخت.

کارگران کارخانه پارس قوه روز دو شنبه ۱۲ خرداد برای دومین روز متوالی از کارخانه خارج شده و تظاهرات کردند.

*روز چهارشنبه ۱۳ خرداد کارکنان شرکت‌های مخابراتی استان مرکزی بعد از برگزاری تجمع اعتراضی در مقابل فرمانداری به گوشه ای از خواسته‌های خود رسیدند.

یکی از این کارکنان به خبرنگار فریاد کارگر گفت: بعد از گذشت چند ماه و عدم رسیدگی به وضعیت کارکنان مخابرات روز گذشته این کارکنان دست به تجمع اعتراضی زدند و با به دست گرفتن پلاکاردهایی خواهان رسیدگی به وضعیت خود شدند.

علیرغم فشارها و تهدیدهای اعمال شده تجمع کنندگان برای رسیدن به حقوق خود پافشاری کردند.

در نهایت مدیر مخابرات به صحنه آمد و تمام خواسته‌های معترضان را پذیرفت و این تجمع با پیروزی کارمندان و کارگران بالاتکلیف به پایان رسید.

*پیروزی کارگران کوره پزخانه‌های وایقان شبستر پس از ۱۷ روز اعتصاب متحدانه روز یکشنبه ۱۴ تیر ماه ۸۸ کارگران کوره پزخانه‌های وایقان شبستر پس از ۱۷ روز ایستادگی و مبارزه متحدانه توانستند به پیروزی مهمی دست یابند.

به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران دستمزد ۱۱ تومان برای هر خشت، پرداخت کامل حق بیمه کارگران و پرداخت هزینه‌های حمل اثاثیه کارگرانی را که به این بقیه در صفحه ۵

برخی از مهمترین رویدادهای کارگری

بقیه از صفحه ۴
کارگاهها وارد می شوند و تحویل روزانه نان یارانه ای به درب منازل کارگران ساکن در کوره پزخانه ها از سوی کارفرما، حاصل این اعتصاب ۱۷ روزه می باشد. دستمزد کارگران پیش از این کمتر از ۱۰ تومان برای هر خشت پرداخت می شد و کارفرما از تعیین دستمزد جدید برای امسال خودداری می کرد. کارگران کوره پزخانه های شمس‌تر طی امسال و سال گذشته در مبارزه بر سر افزایش دستمزد ها پیشگام بوده اند و هر سال به پیروزی های چشمگیری دست پیدا کرده اند. کارگران و خانواده هایشان در به دست آوردن این پیروزی رنج زیادی متحمل شده و ایستادگی ستایش برانگیزی از خود نشان دادند.

*صبح روز ۲۲ تیر به دنبال پرداخت نشدن مطالبات معوقه، کارگران اخراجی انتشارات امیرکبیر در مقابل سازمان تبلیغات اسلامی در میدان فلسطین تهران تجمع کردند. به گزارش ایلنا ۲ سال پیش در پی تغییر مدیریت انتشارات امیرکبیر، شرکت ندا، عامل توزیع کتابهای این موسسه انتشاراتی محل و تمامی ۴۰ کارگر آن اخراج شدند. اخراج شدگان که از ۴ تا ۱۵ سال در این شرکت دارای سابقه کار هستند. از ۲ سال پیش تاکنون برای دریافت مطالبات خود بارها به موسسه انتشارات امیرکبیر مراجعه کرده‌اند که تمامی آنها بی نتیجه بوده است.

*به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران در روز ۲۲ تیر کارگران صنایع فلزی شماره یک در یک اقدام مشترک تمامی مدیران فروش و تولید و عمه و اکره سرشناس سرمایه را از کارخانه بیرون انداختند و اینان لاجرم چاره کار را در آن دیدند که از مدیر عامل بخواهند تا در محیط کارخانه حاضر شود و با دادن وعده و وعیدهای دروغ کارگران را برای چند روزی آرام کند. مدیرعامل مجبور به قبول حرف اینان شد و بالاخره در یکی از روزهای هفته در اجتماع کارگران حاضر شد. او بساط ترفند را گسترده تر از همیشه باز کرد. به کارگران گفت که در آخر مرداد حقوق این ماه را پرداخت خواهد کرد و برای مطالبات معوقه ۴ ماهه نیز به تدریج اقدام خواهد نمود. واقعیت این است که کل گفته های مدیرعامل از صدر تا ذیل فقط ترفند بود. او فقط زمان می خرد و قصد پرداخت هیچ ریالی به کارگران را ندارد. تقریباً همه کارگران

این موضوع را خوب می دانند. آنان زیر فشار درماندگی، بی قدرتی و پراکندگی خود را مجبور به قبول وعده های دروغ وی شدند.

*در پی صدور اطلاعیه ای از سوی یکی از پیمانکاران پتروشیمی پلی اتیلن سنگین کرمانشاه- شرکت سازه - مبنی بر اعلام کار اجباری در روزهای جمعه، کارگران این شرکت که بالغ بر ۲۳۰ نفر می باشند، صبح روز چهارشنبه ۲۴ تیر ماه، با خودداری از پوشیدن لباسهای کار و با تجمع در برابر دفتر شرکت سازه به این تصمیم اعتراض نموده. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران کارگران اعلام نمودند که تا لغو کار اجباری در روزهای جمعه بر سر کار حاضر نخواهند شد. ساعاتی پس از این اقدام سرپرست کارگاه با آمدن به میان کارگران خبر از لغو این تصمیم را به آنان اعلام نمود.

*تجمع اعتراضی کارگران شرکت ریسندگی سنج پریس برای دومین بار روز ۵ شنبه ۲۵ تیر ماه از ساعت ۹ صبح تا ۱۱ و نیم، مقابل اداره کار سنج دست برگزار شد. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران کارگران خواستار اجرای حکم دیوان عدالت اداری - مبنی بر بازگشت به کار به عنوان کارگران استخدام دائم - شدند. کارگران پلاکاردهایی با مضمون «زندگی انسانی حق مسلم ما کارگران است» و «ما خواستار اجرای رای دیوان عدالت اداری هستیم»، در دست داشتند. ماموران نیروی انتظامی و نیز لباس شخصی کارگران را محاصره کرده و از ورود مردم و عابران به داخل جمع آنان جلوگیری می کردند. ماموران حراست اداره کار به نزد کارگران آمده و از آنان خواستند که به تجمع خود پایان دهند. کارگران نیز برای اجرای خواسته خود، تا روز یک شنبه مهلت تعیین نمودند که در صورت برآورده نشدن خواست شان همراه با خانواده هایشان در مقابل ادارات دولتی تجمعات اعتراضی خود را ادامه خواهند داد.

۱۳ خرداد سالروز احیای سندیکای کارگران شرکت واحد گرامی باد

روز جمعه ۱۳ خرداد ۱۳۸۴ یادآور عزم راسخ کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در برگزاری مجمع عمومی برای تصویب اساسنامه و انتخاب نمایندگان واقعی خودشان می باشد.

با وجود مشکلات بی اندازه از جمله اخراج بیش از بیست نفر و زندانی بودن سه نفر از اعضای هیئت مدیره و فعالین سندیکا و احکام قضایی برای

دیگر اعضای هیئت مدیره ،امروز بعد از گذشت ۴ سال کماکان اعضای هیئت مدیره و فعالین این سندیکا در صدد احقاق حقوق کارگران می باشند و افتخار اعضای این سندیکا در این است که به آرای کارگران احترام گذاشته و در راه رسیدن به خواسته های صنفی از هیچ کوششی کوتاهی نکرده اند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در آستانه سالروز انتخابات واقعی کارگری در شرکت واحد آرزوی سربلندی برای تمامی کارگران و آزادی زندانیان کارگری را از خواسته های خود می داند و این روز بزرگ را که جایگاه والایی در بین کارگران ایران و جهان دارد گرامی میدارد. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ۱۳ خرداد ۱۳۸۸

محاکمه ی علیرضا عسگری و حسین غلامی دو فعال کارگری

روز سه شنبه ۱۹ خرداد جلسه محاکمه علیرضا عسگری (شاعر و فعال کارگری) و حسین غلامی (فعال کارگری) در بیدادگاه انقلاب اسلامی تهران برگزار شد.

این دو فعال کارگری طی دو سال اخیر به همراه دو فعال کارگری دیگر ،محسن حکیمی و ابراهیم گوهری بارها به دادگاه احضار شده بودند که طی محاکمات انجام شده حکم نهایی به آنها داده نمی شد.

این چهار فعال کارگری در آذر ۸۶ به اتهام تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی در پارک چیتگر تهران دستگیر و روانه ی زندان اوین شدند و پس از آن به قید وثیقه آزاد شده بودند.

بخشی از بیانیه شماره یک کانون مدافعان حقوق کارگر در باره وقایع اخیر کشور

۲۵ خرداد ۱۳۸۸
در چند روز گذشته خیابانهای تهران و تعدادی از شهرهای دیگر شاهد زد و خورد و درگیری میان جوانان و مردم به خشم آمده با نیروهای پلیس، گاردهای ویژه امنیتی و لباس شخصیها بود. در این وقایع تنی چند از مردم تحت ستم کشته شده و دهها نفر زخمی شده‌اند. هم چنین بر طبق گزارشات صدها نفر دستگیر شده‌اند. منشا این درگیریها به صورت ظاهری اعلام نتایج انتخابات است که طرفداران کاندیداها معتقدند این نتایج ساختگی و به‌دور از واقعیت است، انتخاباتی که میان جناحهای حاکم و شریک قدرت در سی ساله گذشته برگزار شده است در حالی که در هیچ یک از این انتخابات حتا یک کاندیدی مستقل از قدرت و حکومت

حضور نداشته است. در حقیقت سهم خواهی هر یک از جناحها و تمامیت خواهی یک جناح عامل اصلی این اختلافات است.

در سی سال گذشته همواره مردم تحت شدیدترین فشارهای اقتصادی و اجتماعی بوده‌اند و از داشتن کوچکترین حقوق ابتدایی یک جامعه‌ی آزاد محروم بوده‌اند. حملات اخیر گروههای جوانان خشمگین به بانکها و مراکز اصلی قدرت اقتصادی حکومت، بیانگر آن است که مردم علت اصلی بدبختی و فقر و فلاکت خود را در این سالها، سیاستهای اقتصادی و مظهر اجرای این سیاستها، یعنی بانکها و مراکز اقتصادی می‌دانند. بیکاری، بی حقوقی، اخراجهای دسته‌جمعی و نبود امنیت شغلی و آزادیهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی اکثریت مردم را تحت فشار قرار داده است. کانون مدافعان حقوق کارگر که وظیفه‌ی خود را دفاع از حقوق کارگران و زحمتکشان در همه‌ی زمینه‌ها می‌داند، ضمن محکوم کردن خشونت‌های پلیسی در ارتباط با مردم به خشم آمده، به مسئولان هشدار می‌دهد که جدا از درگیریهای جناحی تقسیم قدرت، پیام اصلی مردم را که مبارزه برای یک زندگی انسانی و شرافتمندانه است درک کرده و بیش از این در برابر خواست به حق مردم که یک زندگی انسانی و به‌دور از فقر و بیکاری و تبعیض است ایستادگی نکنند.....

کانون مدافعان حقوق کارگر از تمامی نهادهای مردمی و کارگری و سایر اقشار می‌خواهد که ضمن گسترش تشکلهای خود، خواسته‌های واقعی مردم را هر چه گسترده‌تر بیان کنند که همانا دگرگونی سیستم اقتصادی نابرابر، ظالمانه و استثمارگرانه است.

بخشی از بیانیه شماره ۲ کانون مدافعان حقوق کارگر

خود با سیاستهای حاکم آماده می بینند و در تظاهرات و راهپیماییها و شعارهای مختلف آنها را بیان می کنند. فقر، بیکاری، بی حقوقی و عدم امنیت شغلی، فقدان آزادیهای سیاسی و اجتماعی، سرکوب آزادیهای فردی و آزادیهای فرهنگی در سی سال گذشته سبب انفجاری ناگهانی به صورت اعتراض به نتایج انتخابات شده است.

اما این خطر وجود دارد که دست اندرکاران دو جناح حکومت که اکنون بر سر نتایج انتخابات با یکدیگر درگیر هستند، در آینده با یکدیگر به سازش و توافق برسند و خواسته های واقعی مردم از حکومت گران به دست فراموشی سپرده شود و یا در سازش میان دو جناح حکومتی پایمال شود. از این رو ضروری است تا مردم به صحنه آمده با هوشیاری بیشتر خواسته‌های خود را به صورت مشخص بیان کنند و تا آخر با پیگیری خواسته های خود از پای نشینند و به کسانی که بخواهند از اعتراضات مردم برای پانه زنی سهم بیشتر استفاده کنند اجازه ی سوءاستفاده را ندهند.

بقیه در صفحه ۶

قیام قهرمانانه مردم انزوای رژیم در شرم الشیخ را دامن زد



جعفر پویه

اجلاس غیر متعهدها از روز چهارشنبه در شرم الشیخ مصر در جریان است. رژیم ولایت فقیه که مدعی رهبری مسلمانان جهان است و کوس قدر قدرتی در منطقه را می زند، تنها با منوچهر متکی، وزیر امور خارجه اش در آن شرکت دارد. این یعنی غیبت بزرگ رژیم در کنفرانسی بسیار مهم در منطقه!

دلیل غیبت احمدی نژاد، رییس جمهور برگزیده ولی فقیه در این کنفرانس را کارشناسان متفاوت ارزیابی می کنند. روشن اما این است که با وجود شرکت ۱۱۸ کشور به عنوان عضو و ۱۵ کشور به عنوان ناظر و حضور ده ها سازمان منطقه ای و بین المللی به همراه سران ۵۰ کشور در این کنفرانس که رهبری آن را مصر عهده دار است، برای احمدی نژاد موقعیت مناسبی وجود داشت تا حرافیهای پوچ و بی معنی خود درباره مدیریت جهانی را تکرار کند. اما چون موضوع اصلی این کنفرانس "همبستگی جهانی برای صلح و توسعه" است و مصر سعی می کند تا صلح خاورمیانه را در اولویت این کنفرانس قرار دهد، نماینده رژیم در آنها شرکت نکرده و پس از دیدار کوتاهی با وزیر امور خارجه مصر به کشور فراخوانده شد و بلافاصله به شرم الشیخ بازگشت تا حداقل سخنرانی خود را به انجام رساند.

شرکت گسسته و کم رنگ رژیم در این کنفرانس را بسیاری از دست دادن تاثیر گذشته آن برآورد می کنند و به همین دلیل رژیم را غایب بزرگ کنفرانس می دانند. توهین احمدی نژاد به یاران پیامبر مسلمانان که باعث بسیج افکار عمومی مصر علیه وی گردید و شکایت گروه های اسلام گرا در دادگاه های مصری از او نیز از دیگر دلایل غیبت احمدی نژاد به حساب می آید. همچنین، مخالفت رژیم ولی فقیه با صلح خاورمیانه که موضوع اصلی این کنفرانس است، عدم حضور پایوران حراف آن را توجیه می کند.

رژیم ولی فقیه روز به روز منزوی تر می شود و در کنفرانسهایی همچون غیر متعهدها که پس از مصر رهبری دوره ای آنرا تحویل می گیرد نیز بی آبرو و غیر منطقی و غیر قابل قبول تشخیص داده می شود. به همین دلیل شرکت آن در این کنفرانس کم رنگ شده است و می رود تا روز به روز قدرت پوشالی ای که با رجزخوانی و شعارهای توخالی و حمایت از تروریسم برای خود دست و پا کرده بود را از دست بدهد. اینها همه تاثیر قیام مردم در خیابانهای کشور است که چهره اصلی رژیم در داخل و عدم مشروعیت آن را پیش چشم جهانیان آشکار کرده است.

آدینه ۲۶ تیر

شکنجه می آنان می گذرد. گزارشهای مختلف حاکی از آن است که رفتار غیرانسانی با زندانیان ادامه دارد و برخی گزارشها حاکی از آن است که این زندانیان زیر فشار انجام مصاحبه های خاص هستند تا بر کار ناکرده اعتراف کنند.

فشار به زندانیان برای انجام مصاحبه و اعتراف به گناه ناکرده روش کهنه ای است که در سی ساله گذشته برای تواب سازی به کار گرفته شده است و امروز این روشها هیچ گونه ارزشی در نزد مردم ما ندارد. در این سالها رفتار با متعرضان همواره به صورت غیرانسانی از طرف جناحهای مختلف حاکمیت ادامه داشته است.

اعتراضات میلیونی مردم به دنبال اعلام نتایج انتخاباتی بود که برای تعیین ریاست جمهوری برگزار شد. این انتخابات با هیچ یک از استانداردهای دموکراسیهای ظاهری در جهان همخوانی نداشت، هیچ گونه نهاد نظارتی مستقل چه داخلی و چه خارجی وجود نداشت، احزاب سیاسی مستقل مخالف نزدیک به سه دهه است که غیرقانونی اعلام شده اند و مخالفان و منتقدان به بدترین وجه حذف و مورد تعقیب و سرکوب قرار گرفته اند و در نتیجه نمی توانسته اند برای این انتخابات کاندیدایی داشته باشند. در عین حال نهادهای برگزارکننده ای انتخابات حترار قابت در درون جناحهای حاکم را نپذیرفتند و در جنگ قدرت درونی یک جناح خواهان تمامیت قدرت بدون شراکت جناح مقابل است.

در این میان، خواسته های مردمی که در سه دهه گذشته همواره نادیده گرفته شده است، به اشکال مختلف بیان می شود و این بار بخشی از آن در تظاهرات خونبار شهرها بروز کرد. شعارهای این اعتراضات نشان دهنده ای آن است که مردم خواهان آزادی سیاسی و محو دیکتاتوری هستند. مردم خواهان آزادی زندانیان سیاسی و آزادی بیان و اندیشه آزادی مطبوعات و رسانه ها و کتاب و حذف سانسور هستند.

خواسته های واقعی مردم تنها به تعبیر ساده افراد محدود نمی شود. مبارزات مردمی طی سالهای گذشته نشان داده است که آزادیهای دموکراتیک و اساسی خواست اصلی آنان است.

..... خواست واقعی مردم انتقال قدرت به دست نمایندگان واقعی مردم است که در آن آزادی بیان و اندیشه به رسمیت شناخته شده و حقوق اولیه مردم پایمال نگردد. به همین جهت با خواسته های حداقلی مردم را در چند مورد زیر بیان می کنیم:

۱- انحلال کلیه نهادهای سرکوب کاری که در سالهای اخیر به تعقیب و پیگیری کارگران و مردم تحت ستم پرداخته اند.

۲- انحلال کلیه ی نهادهای غیر انتخابی و ضرورت انتخاب کلیه مقامات اجرایی و قضایی و قانون گذاری با رای مستقیم مردم

۳- آزادی کلیه زندانیان سیاسی و جلوگیری از تعقیب افراد به خاطر داشتن ایده و عقیده ی خاص

۴- ایجاد شوراهای کاری و کارمندی در کلیه نهادهای اجتماعی و اقتصادی و آزادی هر گونه تشکل در محیط کار

برخی از مهمترین رویدادهای کارگری

بقیه از صفحه ۵

۱- انحلال کلیه نهادهای سرکوب کاری که در سالهای اخیر به تعقیب و پیگیری کارگران و مردم تحت ستم پرداخته اند.

۲- انحلال کلیه ی نهادهای غیر انتخابی و ضرورت انتخاب کلیه مقامات اجرایی و قضایی و قانون گذاری با رای مستقیم مردم

۳- آزادی کلیه زندانیان سیاسی و جلوگیری از تعقیب افراد به خاطر داشتن ایده و عقیده ی خاص

۴- ایجاد شوراهای کاری و کارمندی در کلیه نهادهای اجتماعی و اقتصادی و آزادی هر گونه تشکل در محیط کار

۵- لغو حکم اعدام، شلاق و ...

ما این موارد را حداقل خواسته های مردمی می دانیم که در دهه های گذشته تحت ستم بوده اند. در کنار این مسایل بازگرداندن اصول غارت شده مردم از مسایل بسیار مهم است. ما با بیان این خواسته ها می توانیم از سازش احتمالی بر سر حقوق مردم جلوگیری کرده و راه خود را تا بدست آوردن آنها ادامه دهیم.

بیانیه شماره ۳ کانون مدافعان حقوق کارگر
پیش از دو هفته از درگیری های خیابانی و حمله به مردم بی سلاح، ضرب و شتم، دستگیری کشتار و

رسانه های عمومی تبدیل به ابزاری در دست صاحبان قدرت برای وارونه نشان دادن اعتراضات مردم شده است و در حالی که نیروهای معترض خواهان رعایت حقوق اولیه خود هستند اما جناح حاکم در قدرت به مقابله با مردم از یک سو و تقابل با رقیب خود از دیگر سو می اندیشد و خواهان حفظ امتیازات اقتصادی و اجتماعی خود بدون مشارکت دیگران است. این انحصارطلبی بیانگر آن است که بسیاری از قراردادهای اقتصادی سودآور در دست بخشی از حاکمیت است در حالی که بخش دیگر نیز در گذشته و حال فعالیت های دیگری را در دست داشته، برای سهم بیشتر تلاش می کند و در این میان کارگران و حقوق بگیران و مردم تحت ستم و حنا اقشار میانی از درآمد های سرشار نفتی در سالهای گذشته سهمی به جز تورم، بیکاری و محرومیت دریافت نکرده اند. تمام سرمایه و امکانات جامعه در اختیار اقلیتی خاص قرار دارد و مردم غیر وابسته به منابع قدرت، هر روز زندگی فقیرانه تری را انتظار می کشند.

جالب است که دو جناح حاکم در اختلافات میان خود از حقوق اقشار زحمتکش، کارگران و حقوق بگیران صحبت نمی کنند. در برنامه انتخاباتی کاندیداهای مناقشه ای بر سر حقوق کارگران و زحمتکشان مشاهده نمی شود. با این وصف مردم معترض خواسته های خود را در اعتراضاتشان بیان کرده اند.

اما امروز مساله ای اصلی در این اعتراضات تامین حقوق ابتدایی مردم است که بارها و بارها نقض شده است و می توان پیش بینی کرد تا آن زمان که حقوق اولیه ی مردم، که عبارت از یک زندگی شرافتمندانه و انسانی است، برقرار نشود اعتراضها به اشکال مختلف ادامه خواهد یافت.

کانون مدافعان حقوق کارگر بنا بر منشور خود خواهان آزادیهای دموکراتیک برای همه ی کارگران و حقوق بگیران و آزادی تشکلهای احزاب سیاسی بدون قید و شرط می باشد. ما امروز خواهان دفاع از حقوق جانباختگان تظاهرات خرداد و آزادی بی قید شرط همه ی زندانیان سیاسی و بازداشت شدگان هستیم.

کانون مدافعان حقوق کارگر

سرکوب، آزار، بیرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

جهان در آینه مرور

خیزش در ایران، مارکسیسم علیه مرده ریگ جنگ سرد (۱)

لیلا جدیدی

مقدمه

با اوج گیری قیام مردم ایران بار دیگر سخن از دیدگاهها و مواضع نیروهای "چپ" به میان آمده است. این البته که طبیعی و قابل انتظار است زیرا چنانچه دستکم به سه خیزش عظیم مردمی در تاریخ معاصر ایران نظر بیافکنیم، بدون شک نقش برجسته چپ در جنبش ضد امپریالیستی، استقلال طلبانه و آزادیخواهانه کشور به چشم می آید. در قیام ملی کردن صنعت نفت، حزب توده بزرگترین و اصلی ترین سازمان م- ل آن زمان بود. این حزب تحت تاثیر اتحاد جماهیر شوروی سابق و "احزاب برادر"، از دولت ملی دکتر مصدق به خاطر وابسته دانستن آن به امپریالیسم حمایت نکرد و به این طریق سهمی تاریخی در شکست جنبش ملی شدن نفت را به نام خود ذخیره کرد. دور دوم، قیام سال ۵۷ بود که اگر چه سازمان چریکهای فدایی خلق بزرگترین نیروی چپ بود و توانست نقش بزرگی در سرنگونی رژیم شاه ایفا کند اما پس از پیروزی قیام دچار بحران شد. در این هنگام چپ به گروهها و سازمانهای متعددی بنا بر ارزیابیها و تحلیلهایی که داشتند تقسیم شد. حزب توده در این هنگام به عنوان حزبی متکی به اتوریته "اردوگاه" نمی توانست در تحولات بعد از سرنگونی شاه بی تاثیر نباشد از این رو توانست بخشی از جنبش چپ ایران را به سوی تره‌های خود جذب کند. این ترها در زیر پوشش مبارزه با امپریالیسم به تقویت جمهوری اسلامی کمک کرد.

کشور ما اکنون در آستانه قیامی دیگری قرار گرفته است. یکبار دیگر این فرصت به وجود آمده است تا نیروهای م- ل بتوانند نقش موثری در سرنوشت این خیزش اجتماعی داشته باشند. با اینهمه می بینیم که این بار نیز برخی که خود را م- ل و مدافع حقوق زحمتکشان معرفی می کنند، هنوز در تحلیل‌های سوخته شده دوران جنگ سرد گیر کرده اند، تلاش می کند جنبش ما را بی ارزش جلوه دهند و مانع حمایت از مردم ما با همان بهانه و اطوارهای "احزاب برادر" شوند. پیش از خیزشهای پر شور مردم ایران که انتخابات نامیسی جمهوری اسلامی به کانالی برای گشوده شدن بغض سی ساله آنها

تبدیل شد، برخی از گروهها، دسته ها و یا شخصیت‌های "چپ" در غرب که به هیچوجه نه از زندگی مردم ایران اطلاع دارند و نه در واقع به آن اهمیتی می دهند، این خیزش را به فعالیت‌های خرابکارانه امپریالیستها نسبت می دادند. آنها به طور کودکانه ای از هر کس که در لیست سیاه دولت آمریکا قرار گرفته حمایت می کنند. این ابتذال فکری بدان حد رسیده بود که حتی از برنامه های هسته ای رژیم به این دلیل که مخالفان آن خود دارای سلاح هسته ای هستند، دفاع می کردند. آنها به جای این که خواستار نابودی سلاح هسته ای در همه کشورها باشند، برای ماجراجویی هسته ای ارتجاع مذهبی هیزم تهیه می کردند. ناتوانی این گروهها و یا چهره های "چپ" غربی از سازماندهی تشکلهای واقعی و فعال در کشورهای خود که در آنها از فرصت بیشتری نیز برخوردارند، سبب شده است که به دنبال هر کسی که به ظاهر شعارهای ضد غربی و به ویژه ضد آمریکایی می دهد، بیافتند.

حال نیز افترا زنی این عده علیه جنبش دموکراتیک مردم ایران نشان ذهنی گرایشی و عدم اطلاع آنان از جامعه ایران دارد. آنها حتی اطلاع ندارند رژیمی که از آن دفاع می کنند، در ۳۰ سال گذشته چه شماری از کمونیستها و مدافعان آزادی و عدالت را به بند کشیده یا به جوخه های اعدام سپرده است و چگونه صدای چپ در ایران تحت حاکمیت آن سرکوب شده است. آنها وقیحانه از احمدی نژاد و حکومت ولایت فقهی دفاع می کنند و مدعی هستند که این حکومت مدافع فقرا است. این عده حتی از آمارهای فقر در کشور ما که ناشی از نابودی صنعت و کشاورزی به دست دزدان حکومتی است اطلاع ندارند؛ واقعیتی که دست یافتن به آنها با یک گشت و گذار اینترنتی هم میسر است.

غرض از بررسی این مبحث این است که ببینیم آیا این دیدگاه در واقع دیدگاه غالب در میان چپ غرب است؟ دیدگاهی که گاهی آن چنان بی شرمانه است که کمتر می شود باور داشت صاحبان آن به خاطر پروراندنشان، از جمهوری اسلامی خمس و زکات نمی گیرند. از سوی دیگر، در این برهه تاریخی بررسی دیدگاهها و موضع گیریهای چپ پیرامون قیام مردم ایران اهمیت بسزایی دارد زیرا عدم حمایت چپ

جهانی از قیام مردم ایران بی شک بدون ضرر برای جنبش ما نیست. با این باور به جستجو و بررسی این دیدگاهها می رویم.

قابل ذکر است که این نوشته نخست برای شناخت و بررسی دیدگاه های چپ با این پیش فرض که دیدگاه غالب در جنبش چپ - دستکم در غرب - به شکل سابق باقی مانده است آغاز شد اما این بررسی به دو نتیجه قابل توجه و دور از انتظار دست یافت. نخست آن که سازمانها، شخصیتها و نیروهای چپ به طور غیر قابل تصویری بر جنبش مردم ایران متمرکز شده اند و شاید بتوان گفت به همان اندازه که بحران جهانی اقتصاد سرمایه داری توجه آنان را جلب کرد، رویدادهای ایران نیز مورد توجه آنان قرار گرفته است. سپس درمی یابیم که بخش عمده تحلیلها و نوشته ها، در دفاع از خیزش دموکراتیک مردم ایران و نقد بی رحمانه مواضع معدود نیروهایی ارایه شده است که جمهوری اسلامی را ضد امپریالیسم معرفی کرده و همصدا با دستگاه امنیتی رژیم ایران، افترا می بندند که سازمان سیا در قیام مردم ایران دست داشته است. آنچه در زیر می خوانید بیشتر به بحثهای درون جنبش چپ پرداخته است. خوشبختانه در سراسر جهان، ایرانیها یا غیر ایرانیها در حمایت از جنبش مردم ایران بسیار قلم زده اند و تا حد امکان واقعیتها را توضیح داده اند. از این رو وجه غالب در چپ را نمی توان مانند سالهای گذشته دیدگاههای ناپخته و ذهنی گرایی دانست.

اسلاوی ژیک چه می گوید؟

از اسلاوی ژیک آغاز می کنیم. او سیاستمدار، منتقد فرهنگی، جامعه شناس، نظریه پرداز و فیلسوف اسلوونیایی است. ژیک در سال ۱۹۹۰ از سوی "حزب لیبرال دموکراسی" به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری کشور معرفی شد. شهرت او برای ایحای روانکاوی ژاک لاکان برای یک خوانش جدید از فرهنگ عامه است. او رساله های گوناگونی درباره موضوعات گوناگون نگاشته است: موضوعاتی چون جنگ عراق، بنیادگرایی، سرمایه داری، حقیقت سیاسی، جهانی شدن، سوپرکتیویته، حقوق انسانی، لنین، اسطوره، فضای مجازی، پسمادرنیسم، چندفرهنگ گرایی،

پست مارکسیسم، آلفرد هیچکاک و دیوید لینچ.

او پیرامون موقعیت فعلی رژیم می گوید: "وقتی رژیمی خودکامه و مستبد به بحران نهایی، به اوج بیماری اش نزدیک می شود، زوال و متلاشی شدن اش درست مثل قانونی از پیش تعیین شده است. این رژیم دو مرحله را طی می کند: قبل از اضمحلال کامل یک گسیختگی رموز در سطح جامعه رخ می دهد و ناگهان همه ی مردم به روشنی می دانند که بازی تمام شده، خیلی ساده دیگر نمی ترسند."

ژیک در یک مقایسه جالب بین رژیم و صحنه ی انیمیشنهای کلاسیک می گوید: "گرچه به یک بلندی می رسد اما به راه رفتن ادامه می دهد. این واقعیت را که زمینی زیر پایش نیست، انکار می کند. فقط وقتی می افتد که عمق دره ی زیر پایش را می بیند. رژیم وقتی اقتدارش را از دست داد، همچون گربه ای می ماند بر بلندی. فقط برای این در صحنه مانده است که روزی، زمانی به زیر پایش نگاهی بیاندازد. در نسخه ی کلاسیک تر این جنبش که انقلاب خمینی است، لحظه ی دقیق این گسیختگی اجتماعی را می توان دید: در یکی از چهار راههای تهران، یک اعتراض کننده وقتی پلیس بر سرش فریاد می کشد که برو، حاضر نمی شود تسلیم شود. پاسبان حسابی برآشفته و دست پاچه عقب می کشد. بیشتر از چند ساعت نمی گذرد، اما به زودی تمام تهران از این ماجرا خبردار می شوند."

ژیک می گوید: "برخی این اعتراضها را اوج جریان اصلاح طلبی می بینند که ردها و نشانه هایی از انقلابهای نارنجی اوکراین، گرجستان و غیره دارد و برخی آن را واکنشی سکولار و غیر مذهبی به انقلاب خمینی. آنها از مردم معترض به خاطر برداشتن اولین گامها به سوی ایرانی سکولار، لیبرال و دموکراتیک حمایت می کنند."

او در جای دیگری می گوید: "اما غم انگیز تر از همه، حامیان چپ گرای احمدی نژاد اند. می گویند احمدی نژاد برنده شد چرا که مدعی استقلال کشور شد، فسادهای اقتصادی را افشا کرد و از ثروت نفت به درآمد اکثریت مردم فقیر افزود. آنها می گویند، این احمدی نژاد واقعی است، چیزی جدا از آن دیوانه ای که در تصویر رسانه های غربی، هولوکاست را انکار می کند. پس آنچه واقعا در ایران در جریان است، تکرار ۱۹۵۳ و کودتایی که با حمایت غرب علیه نخست وزیر به حق یک کشور صورت گرفت، است. این دیدگاه منکر تمام رویدادهای واقعی است. شرکت وسیع مردم در انتخابات که از ۵۵ درصد به ۸۵ درصد رسیده است را فقط می توان به عنوان ابراز وجود گروهی مخالف تعبیر کرد."

دیدگاه دیگری اعتراضات ملت ایران را در راستای حفظ اسلام همراه با لیبرالیسم غربی اصلاح گرایان پیشرو می داند و

بقیه در صفحه ۸

جهان در آینه مرور

بقیه از صفحه ۷

درست به همین دلیل نمی تواند جایگاه درست و به حق موسوی را در این میان پیدا کند. آیا او یک اصلاح طلب با مایه هایی از فرهنگ غرب است که به دنبال آزادی فردی بیشتر و رونق بازار اقتصادی است یا عضوی است از دستگاه روحانیون که پیروزی احتمالی اش هم هیچ تاثیر جدی ای در طبیعت رژیم نخواهد گذاشت؟ ... تردید میان این دو موضوع بی نهایت دور از هم، نشان می دهد که همه ی این تحلیل گران از طبیعت حقیقی اعتراض کنندگان دور مانده اند. رنگ سبزی که حامیان موسوی انتخاب کرده اند، فریاد های الله اکبری که از بامهای تهران با رسیدن تاریکی شبانه سر داده می شوند، به وضوح نشان می دهند که ایرانیان انقلاب ۱۹۷۹ را بازگو می کنند یعنی، بازگشت به ریشه های همان جنبش، رد فساد ها و انحرافهای اخیر همان انقلاب. ادعای عوامفریبانه برقراری عدالت اقتصادی برای قشر مستمند، نمی تواند فریب مان بدهد. پشت سر این ادعا نه تنها ارگانهای نظامی سرکوبگر با سازماندهی از قضا بسیار غربی شده بلکه، قشر تازه ای که در نتیجه ی فساد اقتصادی به ثروت رسیده است، ایستاده است (پاسداران انقلاب یک نیروی نظامی برخاسته از طبقه ی کارگر نیستند بلکه، یک کلان انجمن اند و غنی ترین مراکز ثروت کشور را در اختیار دارند).

او در خاتمه به کسانی که مضمون قیام مردم ایران را درک نمی کنند به فراموشی موازین دموکراتیک متهم کرده و می گوید: "اگر این طور باشد ما هم در حال آماده شدن برای پذیرش احمدی نژادهای خودمان هستیم. ایتالیاییها که حتی اسم احمدی نژاد شان را هم می دانند: برلوسکونی! بقیه در صف به نوبت منتظر ایستاده اند."

"مانتلی رویو" دست چه کسانی افتاده است که از

احمدی نژاد حمایت می کنند؟

بالای صفحه اول و به عنوان مهمترین خیر روز، وب سایت خبرگزاری حکومتی جمهوری اسلامی آورده است: "مانتلی رویو خبر داد: ائتلاف سرمایه داران ایرانی، آمریکاییها و صهیونیستها علیه احمدی نژاد!؛ رویدادی آن قدر مهم از نظر این خبرگزاری رسمی که بالاتر از عکس و خبری از رهبر رژیم، خامنه ای گذاشته می شود.

این که "مانتلی رویو" از رژیم در برابر مردم حمایت می کند به دلایلی که بعد آورده می شود، تمسخر آمیز است اما از هم مضحک تر این است که رژیم آن را برای اثبات خود بر سر در می زند.

نویسنده مطلب مذکور "فیل ویلایتو" ادعا می کند: "آنچه اکنون در ایران رخ می دهد مناقشه میان دو نیرویی است که هریک نماینده میلیونها نفر از مردم هستند. در هر دو سو افراد خوبی وجود دارند و موضوعات مطرح پیچیده است."

او برای بازکردن این کلاف سردر گم که "افراد خوب" به وجود آورده اند، این سوال را مطرح می کند: "آیا در انتخابات قلب شده است؟" پایه و اساس استدلال او این است که از ۷۱ میلیون جمعیت ایران حدود چهل درصد روستائین هستند و اکثرا در زمره قشر کم درآمد جامعه قرار دارند. به این رقم، فقرای شهر نشین و کارگران را نیز اضافه کنید تا به رقم دو سوم جمعیت برسید یعنی، بخشی از جمعیت که بیشترین بهره اقتصادی را از انقلاب ۱۹۷۹ داشته است.

احمدی نژاد نیز که در منطقه روستایی فقیر و سپس در جنوب تهران می زیسته، از حمایت قشر فقیر با وجود مشکلات اقتصادی که به طور عمده ناشی از کاهش شدید قیمت نفت بوده، برخوردار است و به بهبود خدمات و سوسپید برای فقرا دست زده است. بنابراین، از این ترکیب جمعیتی به طور منطقی می توان نتیجه گیری کرد که احمدی نژاد می تواند دو سوم آرا را به دست آورده باشد.

این استدلال، بدنه های پال سوئزی، لئو هوبرمن و هری مگداف را حتی در آرمگاهایشان به لرزه در خواهد آورد. پاسخ این نویسنده به بقیه سوالهایی که در مورد امکان قلب در انتخابات از او شده است به همان میزان بی ربط و تمسخر آمیز است، همچنان که دلایل او برای دست داشتن آمریکا و انگلیس در قیام مردم ایران تخیل پردازی محض و کودکانه است. بی جهت نیست که یکی از خوانندگان مقاله او در بخش اظهار نظر ها می گوید: "چه کسی فکر می کرد روزی احمدی نژاد برای به دست آوردن مشروعیت خود دست به دامن "مانتلی رویو" خواهد شد؟ بیاید امیدوار باشیم که از هرکس که تا به حال به خاطر هر چه که به این مجله ربط داشته دستگیر شده، عذرخواهی رسمی شود."

قابل تذکر است که "مانتلی رویو" بارها و بارها توسط نیروهای چپ در ایران و در تبعید مورد انتقاد شدید قرار گرفته است. لئونیس پرویکت، یک فعال چپ کهنه کار در مقاله ای پیرامون تحلیلهای "مانتلی رویو" می

نویسد: "با آغاز بحرانهای پس از انتخابات در ایران، سایت "مانتلی رویو" بازوی تبلیغاتی رژیم ایران شده است."

سعید رهنما، پرفسور علوم سیاسی دانشگاه یورک در کانادا مقاله ای در این باره نوشته که در سایت "مانتلی رویو" به چاپ رسیده. این نوشته با عنوان "تراژدی دیدگاه چپ در ایران" به طور مشروح به "بازوی تبلیغاتی" رژیم پرداخته است.

او می نویسد: "برای کسانی که مایلند چپتی که "مانتلی رویو" پیش گرفته را درک کنند باید توضیح داده شود که خط حمایت از احمدی نژاد از خط دو گروه گرفته شده است: "حزب کارگران جهان" (Workers World Party) و انشعاب جدید در آن به نام "حزب سوسیالیسم و آزادی" (Party of Socialism and Liberation).

بین این دو گروه به لحاظ سیاسی نمی توان تفاوتی دید و انشعاب تنها ممکن است بر سر آن باشد که چه کسی بر چه کسی ریاست کند؛ رفتاری که در مناسبات سرمایه داری رخ می دهد و نه در روشهای مارکسیست - لنینیستها. این دو گروه به طور مشترک برای "مانتلی رویو" می نویسند. "چگونه باید به اتفاقا در ایران واکنش نشان دهیم" که نوشته "فیل ویلایتو" است، کاملا بیان کننده موضع این دو است؛ موضعی که می گوید: "اگر شواهدی وجود داشته باشد که امپریالیسم با دولتی مخالفت می کند، بیشتر تلاش کن تا آن را بزرگ کنی. حال فرقی نمی کند آن کشور به دست موبابه اداره شود یا احمدی نژاد."

اما "مایک الی" پاسخ دندان شکنی به این نوع "چپها" که از جمهوری اسلامی حمایت می کنند داده است. مایک الی، عضو "پروژه کاساما" است. هدف این پروژه، بازسازی و باز سازماندهی جنبش انقلابی در ایالات متحده آمریکا است. او مقاله ای نوشته است با عنوان "آیا مردم می توانند تاریخ را بسازند یا نه؟" که نخست در وب سایت "پروژه کاساما" و سپس در سایت "اینترنشنال سوسیالیست ژورنال" انتشار یافت.

"الی" در باره چپ روی کودکانه و ذهنی گرایی این عده در مقاله خود می نویسد: "درست است که آمریکا خواهان رژیم در ایران است که منافع اش را تامین کند... درست است که جنگ در عراق به کشاکش قدرت بین جمهوری اسلامی و آمریکا تبدیل شده و پیروزی آمریکا در عراق بستگی به پیروزی آمریکا در تغییر رژیم در ایران دارد... درست است که ما باید با سیاستهای اشغالگرانه و امپریالیستی آمریکا که می خواهد میدانهای نفتی در خاورمیانه را تصاحب کند مخالفت کنیم و قویا هم

این کار را بکنیم اما... مگر ما باید گنجایش آن را داشته باشد که بتواند امکان یک تهدید و یک دینامیسم اجتماعی را در یک زمان در خود جا دهد. واضح است که آمریکا منافعی در خیزش مردم ایران دارد... روشن است که به شکلهای گوناگون تلاش می کند دولتی موافق آمریکا در آنجا بر سر کار باشد... همه این را می دانیم اما چه کسی می تواند بگوید که دولت دنباله رو آمریکا تنها حاصل تغییر در ایران خواهد بود؟ کی تصمیم گرفته که مردم ایران فاقد هدف، امید و انتخابی که بتواند خلاف این جهت حرکت کند باشند؟"

او سوال ساده ای را مطرح می کند که انگار تا به حال به ذهن مخاطبانش نرسیده: "دنيا پر از نیروهای ارتجاعی است ولی چه کسی می گوید که مردم همیشه انتخايشان بين دو نیروی ارتجاعی بود؟ گاهی اختلاف بین دو نیروی ارتجاعی و ستمگر می تواند درهای زیادی را بروی نیروهای رادیکال، سکولار و حتی انقلابی باز کند. نیروها می آموزند، سازماندهی می کنند و وارد مرحله عملی می شوند.

این که فکر کنی انتخاب فقط می تواند بین بد و بدتر باشد تنها نشان از کوتاهی بینی این گروه از "چپها" دارد؛ تفکری که آنقدر درمانده شده است که نمی تواند چشم اندازی برای وقوع یک انقلاب داشته باشد."

الی در جای دیگر می گوید: "برخی از "چپها" ادعا می کنند که حمایت مردمی که به خیابانها آمده اند، فاقد "درک طبقاتی" است. منظور آنها این است که اعتراضهای خیابانی از جانب طبقه متوسط شهری است و نه طبق کارگر ایران و یا روستاییان. آیا این درکی است که ما از طبقات داریم؟ پس اگر کارگران از جنگ آمریکا حمایت کنند و "دانشجویان مرفه" یا آن مخالفت کنند ما باید گیج شویم؟ این نوع "تحلیل طبقاتی" است که ما باید خودمان را به سطح آن تقلیل بدهیم؟ اگر دانشجویان ایرانی و طبقه متوسط شهری اولین کسانی هستند که علیه یک رژیم مذهبی و مستبد برخواستند - حتی اگر تنها خواسته های خود را مطرح کنند - این بد و غیرعادیست؟

تاریخ مملو از مثالها و ماندها است. آیا انقلاب چین بدون این قشر قابل تصور بود؟ بدون جنبش وسیع مردم شهری و روشنفکران تحصیلکرده؟ جنبش ۴ مه ۱۹۱۹ را ببینید، آیا اتحادیه های کارگری به طور خودبه خودی عمل می کردند؟

این که دانشجویان علیه حکومتی سرکوبگر به خیابانها بریزند (حتی بدون کارگران) کار خوبی است یا نه؟ این که جوانان و زنان سکولار در خیابانها علیه رژیم مذهبی که اخلاق قرون وسطی را بر آنها تحمیل کرده، مانند روسری اجباری و غیره راهپیمایی کنند (با یا بدون روستاییان) خوب است یا نه؟ آیا این رویدادها به دنبال خود اقدامات رادیکالتزی را به همراه نمی آورد، حتی در میان کارگران که برخی از مواقع کند تر حرکت می کنند؟

بقیه در صفحه ۹

جهان در آینه مرور

بقیه از صفحه ۸

تحلیل طبقاتی دارای مجموعه ای از برخورد ها است. یک راه وارد شدن به آن از این زاویه است که به سوالات بیشمار سیاسی دنیای ما از دیدگاه کمونیستی "خاتمه دادن به هر نوع ستم" (دیدگاهی که که در نهایت منافع کسانی که بیشتر از همه تحت ستم قرار گرفته اند را در بر می گیرد) و همینطور اهمیت اعمال تمام طبقات در پروسه انقلابی، پاسخ دهد.

در نهایت در دیدگاهی که می گوید ما محدود به انتخاب انواع نیروهای سرمایه داری و فئودالی هستیم و مردم ایران ناچارند بین آمریکا و طبقه حاکمه کربه و متمیز کننده خود یکی را انتخاب کنند، "درک طبقاتی" چه جایگاهی دارد؟ آیا این "تحلیل طبقاتی" است؟

وب سایت قید شده در بالا که نوشته "مایک الی" را انتشار داده در انتها توضیح می دهد: "دقیقا در چنین زمانی است که مارکسیستهای جدید و قدیم باید مواضع خود را با نوشته های سرداران متد های تاریخی تطبیق دهند تا وقایع اخیر ایران را "شورش ناگهانی" توصیف نکنند. برای نمونه، نوشته های مارکس در انقلابات اروپای غربی ۱۸۴۸، همچنین نوشته های لنین در "دو تاکتیک سوسیال دمکراسی در انقلاب دمکراتیک" روسیه ۱۹۰۵ و نوشته های تروتسکی در "انقلاب مداوم". مقاله "مایک الی" پاسخی است به مواضع WSWS (وب سایت "سوسیالیسم جهانی")

ایران و گنج سری چپ

"ریس ارلیچ"، گزارشگری که در روزهای پیش از انتخابات نمایشی در ایران بوده و شاهد حضور مردم در خیابانها بوده است، در مقاله ای با عنوان "ایران و گنج سری چپ"، نظرات آن دسته از نیروهای "چپ" را نقد کرده است که همزمان و همسو با خامنه ای، اعتراضهای مردم را به توطیه های خارجی نسبت می دهند.

"ارلیچ" از منتقدان سیاست خارجی آمریکا به ویژه در خاورمیانه است. او کتابی به نام "The Iran Agenda" (برنامه عمل ایران) نوشته که در آن سیاست خارجی آمریکا علیه رژیم ایران را نقد کرده است.

او می نویسد که پس از بازگشت از ایران متوجه شد که برخی از محققان و نویسندگان و شخصیتهای چپ نامه هایی به او نوشته و خیزش مردم ایران را به دخالت امپریالیسم آمریکا

ربط داده اند. او می گوید: "این گونه اظهار نظر ها برای من شوک آور بود زیرا من در ایران مردمی را دیده بودم که به خاطر عدالت اقتصادی و سیاسی و آزادی، در خیابانهای تهران و شهرهای بزرگ جانفشانی می کردند و زندگی خود را به خطر می انداختند.

واقعیت این است که بسیاری از مردم آمریکا و به ویژه بسیاری از چپهای آمریکایی و افراد مترقی، از تظاهرات مردم ایران و از مطالبات آنها حمایت می کنند و سرکوبهای رژیم ایران را محکوم می کنند و از سوی دیگر مخالف هرگونه دخالت نظامی و یا سیاسی خارجی در ایران هستند اما گروه کوچکی از "چپ"، آنها را که در وب سایت Monthly Review می نویسند مانند "جیمز پتراس"، استاد بازنشسته علوم سیاسی معتقد است که حرکتی اعتراضی مردم ایران در این مقطع نتیجه فعالیت های پنهانی سیا در ایران است.

من شاهد بودم که حضور گسترده مردم در خیابانهای ایران نه تنها خارج از کنترل رهبران اصلاح طلب بود بلکه، این حرکت عظیم مردمی نمی توانست با دست پنهان سیا هدایت و سازماندهی شده باشد.

اجازه بدهید که برای لحظه ای فکر کنیم که آمریکا می خواست تظاهرات مردم ایران را هدایت کند و آن را به کنترل خود در بیاورد. آیا آمریکا در این کار موفق شد؟ به عرضتان برسنامه که این تظاهرات میلیونی مردم ایران انعکاسی بود از ۳۰ سال سرکوب و ستم که رژیم جمهوری اسلامی بر مردم ایران روا داشته و نتیجه خشمی بود که در این سالها بر هم انباشته شده بود. طی ۳۰ سال گذشته رژیم جمهوری اسلامی ایران انواع و اقسام سرکوب و ستم را علیه کارگران، زنان و اقلیت های قومی و مذهبی و به راستی، بر اکثریت مردم ایران اعمال کرده است.

آیا محمود احمدی نژاد - آن طور که برخی تصور می کنند - ضدامپریالیست است؟ یا برعکس، فردی دیکتاتور است که جلو مبارزات واقعی مردم ایران را علیه سیاستهای آمریکا در منطقه می گیرد؟ بگذارید پیش از آن که نظر خود را ارایه دهم، اطمینان بدهم که این "چپهایی" که مدافع احمدی نژاد هستند، هیچ گاه ایران را ندیده اند. من در تجربه ای اخیرم در ایران که بسیار آموزنده بود با افراد زیادی گفتگو کردم و از نزدیک با نظرهای آنها آشنا شدم که به ترتیب بیان خواهم کرد.

ادعای اول :

برخی از نویسندگان چپ مانند James Petras مدعی هستند محمود احمدی نژاد برنده ای انتخابات

است چرا که نیروهای مخالف او نتوانستند که حتی یک دلیل بر تقلبی بودن انتخابات ارایه دهند.

"جیمز پتراس" می نویسد: "کوچکترین مدرکی وجود ندارد که قبل از انتخابات و یا در روز انتخابات، سلامت و صحت انتخابات را مورد شک و تردید قرار داده باشد." به نظر "جیمز پتراس" همه چیز تا قبل از شمارش آرا به درستی پیش رفته است. این حرف از بی اطلاعی آقای پتراس است. او نمی داند که در واقع از هفته ها قبل از روز رای گیری، ایرانیان به طور گسترده نگران تقلب در انتخابات بودند. وقتی من انتخابات سال ۲۰۰۵ میلادی را پوشش خبری دادم، در همان زمان نیز کروبی، یکی از رقبای انتخاباتی ریاست جمهوری به نتیجه انتخابات معترض بود و از تقلب گسترده به نفع احمدی نژاد سخن گفت. به همین ترتیب در روز انتخابات اخیر نیز مسوولان رسمی دولت از ورود ناظران کاندیداهای مخالف احمدی نژاد به پای صندوقهای رای جلوگیری کردند. کسانی که با ستاد انتخاباتی موسوی و کروبی کار می کردند قصد داشتند که با فرستادن پیامهای کوتاه تلفنی SMS نتیجه شمارش آرای هر حوزه را به مراکز ستادهای خود گزارش کنند اما مسوولین دولتی سیستم SMS را به سرعت مسدود کردند. در نتیجه شمارش آرا به تمامی در اختیار و کنترل مسوولین وزارت کشور که طرفدار دولت احمدی نژاد بودند قرار گرفت. من بارها شنیدم که صندوقهایی که وارد حوزه های رای گیری می شوند از قبل با برگه های رای پر شده اند. دو پرفسور دانشگاه St. Andrew اسکاتلند در بخش مطالعات ایران که به طور دقیق انتخابات اخیر ایران را دنبال کرده اند و نتیجه رسمی انتخابات را مورد مطالعه و بررسی قرار داده اند، معتقدند که نتیجه ای انتخابات با واقعیت مغایرت دارد و تقلب بزرگی صورت گرفته است. آنها معتقدند برای این که احمدی نژاد پیروز این انتخابات در یک سوم استانهای ایران باشد می باید:

۱- تمام افراد واجد شرایط در این استانها به احمدی نژاد رای داده باشند. ۲- تمام رای دهندگان جوانی که برای اولین بار رای داده اند، باید رای خود را به احمدی نژاد داده باشند. ۳- هم چنین، تمام کسانی که قبلا به اصول گرایان رای داده اند، می بایست در این انتخابات نیز رای خود را به احمدی نژاد داده باشند.

۴- ۴۴ درصد رای کسانی که قبلا به اصلاح طلبان رای داده بودند نیز باید به احمدی نژاد رای می دادند. باید به خاطر داشته باشیم که احمدی نژاد در سیستمی پیروز انتخابات اعلام شده است که بسیار

بسته عمل می کند. شورای نگهبان رژیم تعیین می کند که چه کاندیداهایی صلاحیت دارند که در انتخابات شرکت کنند. این نهاد صلاحیت هیچ زنی را برای شرکت در مبارزات انتخاباتی تایید نمی کند.

ادعای دوم :

برخی دیگر می گویند آمریکا تاریخ طولانی در مداخله در امور ایران دارد، بنابراین دست آمریکا در پشت حوادث جاری در ایران قرار داشته است. Jermmi Hammond، یکی از نویسندگان مترقی آمریکا در وب سایت خود پیرامون سیاست خارجی آمریکا می نویسد: "دخالت آمریکا در ایران و امور جاری و سیاست تغییر رژیم، به طور یقین ممکن به نظر می رسد." او تا آن جا پیش می رود که می گوید: "به نظر من آمریکا نقش تعیین کننده و موثری بازی می کند تا حرکت های اعتراضی مردم را علیه جمهوری اسلامی به کار برد."

نویسنده دیگری، "Eric Marolig"، مقاله نویس کانادایی می نویسد: "در حالی که اکثر تظاهرات کنندگان در تهران مردم واقعی هستند و حرکت آنها خود به خودی است، سازمانهای اطلاعاتی غرب و مطبوعات غربی نقش کلیدی را از طریق مهیا کردن امکانات خبری مانند اینترنت و روشهای الکترونیکی پیشرفته پیام رسانی مانند Twitter و غیره، نظیر آن چه که در اوکراین و گرجستان به کار بردند را در این مورد نیز به کار گرفتند. هدف آنها این است که سرانجام یک حکومت طرفدار آمریکا نظیر آن چه در گرجستان و اوکراین به قدرت رسید، در ایران نیز قدرت را به دست بگیرد."

هر دو نویسنده بالا، نمونه های فراوانی از تلاش آمریکا را برای سرنگونی رژیمهای قانونی در دنیا مثال می آورند. از جمله می نویسند، سیا طراح یک کودتا علیه دولت قانونی و دموکراتیک دکتر محمد مصدق در سال ۱۹۵۳ میلادی در ایران بوده است. آقای Hammound با نقل قول از کتاب من، "The Iran Agenda" مصاحبه های رادیوی ام می گوید: "دولت بوش با اختصاص پول و کمکهای دیگر سعی در سازماندهی اقلیت های قومی برای سرنگونی جمهوری اسلامی در سال ۲۰۰۷ میلادی کرد."

باید بگویم هیچ کدام از این ادعاها و مباحث، منطبق با شرایط جاری در ایران نیست و مبنای واقعی ندارد. هیچ کدام از این افراد مدرکی ارایه نمی دهند که نشان دهد دولت اوپاما طرحی را مهندسی کرده است تا اعتراضات جاری در ایران را کنترل و هدایت کند.

اجازه بدهید که به طور واقعی نشان دهم که چه اتفاقاتی در روزهای اخیر در ایران بوقوع پیوسته است.

دهها میلیون ایرانی جمعه شب (۱۲ ماه جون - ۲۲ خرداد) که پس از پایان رای گیری به خانه های خود رفتند، معتقد بودند که میرحسین موسوی در مرحله ی

بقیه در صفحه ۱۰



مردم فلسطین داشته است. اسرائیل و فلسطین در اساس باید خودشان معضلات خود را حل نمایند، بنابراین مقایسه احمدی‌نژاد با هوگو چاوز و مورالس یک مقایسه بی‌معنی و نادرست است. من بارها از بولیوی و ونزوئلا گزارش تهیه کرده‌ام. در این کشورها یک جنبش واقعی اجتماعی وجود دارد که رهبران آن از طریق یک انتخابات واقعی و سالم به قدرت رسیده‌اند. آنها اصلاحات واقعی برای کارگران و کشاورزان و مردم خود انجام داده‌اند اما ببینیم احمدی‌نژاد چه کرده است. حاصل کار او تومی ۲۴ درصدی و بیکاری روزافزون بوده است. تا آن جا که به موضوع گیری هوگو چاوز و دولت ونزوئلا در مورد ایران مربوط می‌شود، به سادگی می‌توان گفت او و دولتش به سختی در اشتباه هستند.

در بعد دیپلماتیک و سیاسی، ونزوئلا و ایران هر دو یک مساله مشترک دارند: هر دو از جانب آمریکا مورد حمله قرار داشته‌اند و هر دو از سوی آمریکا تهدید به "تغییر رژیم" شده‌اند. اما با این حال هیچ عذر و بهانه‌ای قابل قبول نیست. هوگو چاوز و دولت ونزوئلا تمام ماجرا را وارونه متوجه شده‌اند. اوج گیری جنبش اجتماعی مردم ایران که امروز به خیابانها آمده‌اند، ایران را به صورت قویتری در مقابل هرگونه دخالت و تجاوز خارجی و از جمله دخالت آمریکا قرار می‌دهد.

آن چه می‌گویم فقط یک بحث و جدل روشنفکرانه و آکادمیک نیست، زندگی واقعی مردم در ایران در حال حاضر در مخاطره جدی قرار دارد. یک رژیم سرکوبگر در روزهای اخیر تاکنون ۱۷ نفر را به قتل رسانده است و صدها نفر مجروح و زخمی شده‌اند. جنبش عظیم مردم ایران ممکن است در حال حاضر آن قدر قوی نباشد که همین امروز باعث سرنگونی این سیستم بشود اما این جنبش نطفه و هسته مبارزات آینده‌ی مردم ایران را پایه‌گذاری کرده است.

منتقدان [جنبش اعتراضی مردم ایران] باید به این سوال جواب بدهند:

شما در طرف چه کسی ایستاده‌اید؟

(ادامه بررسی نظرات در شماره آینده)

وزیر امور خارجه ونزوئلا می‌نویسد: "دولت بولیواری ونزوئلا مخالفت قوی خود را با کسانی که با کمک خارجیها و با ادعای دروغین می‌خواهند به اعتبار جمهوری اسلامی لطمه وارد سازند، اعلام و آن را محکوم می‌کند." او اضافه می‌کند "آنهايي که می‌خواهند رابطه‌ی برادرانه ما با جمهوری اسلامی را خراب کنند و از بیرون پایه‌های انقلاب اسلامی را بلرزاند را محکوم می‌کنیم." از سال ۱۹۷۹-۱۹۵۳ میلادی، رژیم شاه به طور قهرآمیزی مردم خود را سرکوب می‌کرد و خود را در کنار اسرائیل و آمریکا قرار داده بود. پس از انقلاب ۱۹۷۹، رژیم اسلامی به طرز بیرحمانه‌ای مردم خود را سرکوب می‌کند اما رابطه‌ای با اسرائیل و آمریکا ندارد. همین امر باعث سردرگمی و اغتشاش فکری در میان بخشش از "جپ" در جهان شده است.

من کتاب و مقاله‌های زیادی در مورد سیاستهای آمریکا علیه ایران نوشته‌ام. من بارها سیاست "بوش" برای سرنگونی رژیم ایران را مورد نقد قرار داده‌ام. در مورد "برنامه‌ی اتمی ایران" و حمایت ایران از حماس و حزب‌الله لبنان و شیعه‌های عراق نوشته‌ام. در ۴ سال گذشته محمود احمدی‌نژاد تلاش فراوان کرد که خود را به عنوان یک رهبر ضد امپریالیست و رهبر جهان اسلام جا بزند. موضع‌گیری او در نقی موضوع هولوکاست را به یاد داریم. همان طور که از جانب میرحسین موسوی در مناظره‌ی تلویزیونی او با احمدی‌نژاد بیان شد، سیاست خارجی احمدی‌نژاد در مورد اسرائیل و یهودیان، در عمل علیه مردم فلسطین و به سود اسرائیل بوده است. اگر به طور دقیق نگاه کنیم احمدی‌نژاد در عمل هیچ کاری به سود مردم فلسطین انجام نداده است. او فقط مقداری پول به حماس داد. باوجود تمامی گنده‌گوییهای احمدی‌نژاد علیه آمریکا و اسرائیل، جمهوری اسلامی ایران کمترین و ناچیزترین تاثیر را بر روند و مبارزه‌ی

وجود داشتند که با چادر و یا حجاب در این تظاهرات شرکت کرده بودند. در این اعتراضها جوانانی بودند که بارها به جرم این که با دوست دختر و یا پسر خود در خیابانها راه رفته‌اند، توسط بسیج و ماموران انتظامی مورد ضرب و شتم و آزار و اذیت قرار گرفته بودند. زنان جوانی حضور داشتند که به خاطر این که موی آنان از زیر روسری بیرون بوده است، در خیابانها به طرز بیرحمانه‌ای کتک خورده‌اند. در این تظاهرات کارگرانی وجود داشتند که زیر بار تورم ۲۴ درصدی خرد شده‌اند و با حداقل حقوق و مزایای زندگی می‌کنند و از داشتن تشکلهای واقعی و مستقل کارگری برای دفاع از حقوق پایمال شده خود محرومند.

بعضی از شرکت کنندگان در تظاهرات خواهان دولت اسلامی مدرن بودند. بعضی خواهان جدایی دین از دولت هستند. بعضی خواهان بازگشت به دموکراسی پارلمانی، چیزی که در دوران دکتر محمد مصدق، قبل از کودتای ۱۹۵۳ میلادی در ایران وجود داشت، هستند. اکثر قریب به اتفاق مردم معتقدند که ایران حق دارد از انرژی اتمی و فن‌غنی‌سازی اورانیوم برخوردار باشد. آنها از حقوق مردم فلسطین در مقابل اشغالگری اسرائیل دفاع می‌کنند. آنها خواهان پایان اشغال نظامی عراق توسط آمریکا هستند.

با این خصوصیتها و مشخصه‌ها اگر هنوز معتقدیم که سیاست تظاهرات مردم ایران را هدایت و کنترل می‌کند پس باید گفت که این سازمان کارش را بسیار بد انجام می‌دهد. بدون شک سیاست ما خواهد که بر ایران نفوذ داشته باشد ولی این کاملاً متفاوت است که بگوییم سیاست ما بر جنبش مردم ایران تاثیر و نفوذ دارد. با تکرار این ادعا که آمریکا با قدرت تمام بر جنبش مردم ایران نفوذ و کنترل دارد - چه بخوایم و یا نخواهیم - دست خود را در دست محمود احمدی‌نژاد و خامنه‌ای و ارتجاعیون دیگری گذاشته‌ایم که معتقدند حرکت مردم ایران توسط آمریکا و سیا و یا انگلستان سازماندهی شده است.

ادعای سوم :

برخی معتقدند که محمود احمدی‌نژاد فردی است که با امپریالیسم آمریکا مخالف است و بنابراین تلاش برای سرنگونی او به بقای امپریالیسم آمریکا کمک می‌کند. جیمز پتراس نوشته است: "احمدی‌نژاد و موضع ضدامپریالیستی او در تضاد با موضع طرفداران غرب است." به اعتقاد وی، پیروزی احمدی‌نژاد در این انتخابات نظیر پیروزی تاریخی "پرون" در آرژانتین، هوگو چاوز در ونزوئلا و اوامورالس در بولیوی است.

جهان در آینه مرور

بقیه از صفحه ۹

اول انتخابات پیروز می‌شود. اما شنبه صبح هنگامی که از خواب برخاستند، با شنیدن خبر نتیجه‌ی انتخابات همگی دچار سرگیجه و شوک شدند. همان صبح شنبه دوستان و اطرافیان من گفتند: کودتا شده است.

ناگهان خشم و نفرت و عصبانیت فارغ از طبقه و موقعیت اجتماعی، سراسر جامعه ایران را فرا گرفت. فقط دانشجویان و افراد طرفدار موسوی نبودند که دچار شوک و خشم شدند. مردم ایران به طور گسترده به این نتیجه معترض بودند.

در دو روز، صدها هزار نفر به طور آرام برای اعتراض به نتیجه‌ی انتخابات به خیابانهای تهران و دیگر شهرهای ایران آمدند.

آیا به راستی سیاست انتظار چنین اوضاعی را داشت؟

آیا سیاست دانست که نتیجه‌ی شمارش آرا چگونه خواهد بود؟

آیا سیاست شبکه‌ی گسترده‌ای در ایران داشت که بتواند چنین جنبشی به این عظمت را کنترل و هدایت کند و یا روی آن تاثیر بگذارد و یا طی ۲ روز چنین شبکه‌ی گسترده‌ای به وجود بیاورد که تاثیرگذار باشد؟

چنین تحلیلی مبنی بر دخالت سیا بر وضعیت جاری در ایران فقط دادن اعتبار بیش از حد و اندازه به سازمان جاسوسی آمریکا است. و از طرفی، توهینی است به حرکت‌های اعتراضی مردم ایران. کسانی مدعی شده‌اند سیاست امکان ارتباطی پیشرفته و Twitter در اختیار تظاهرات کنندگان قرارداد. این یک حرف بی‌اساس و بی‌معنی است. همان طور که در گزارش برای خبرگزاری رویتر بیان کردم، اکثر مردم ایران امکان دسترسی به Twitter را ندارند.

مردم سازماندهی تظاهرات خود را دهان به دهان و یا از طریق تلفنهای همراه به اطلاع هم می‌رسانند. واضح می‌گویم: براساس آن چه در ایران دیدم، هیچ کس تظاهرات را رهبری نمی‌کرد. تظاهرات مردم که با اعلام نتیجه‌ی انتخابات و به خاطر تقلب در آن آغاز شد، در یک هفته به یک جنبش عظیم آزادیخواهی مبدل شد.

شما می‌توانستید تنوع حضور مردم از اقشار گوناگون را در این جنبش آزادیخواهانه از نزدیک ببینید. از هر قشری در این حرکت حضور داشتند. اقشار مرفه، جوانان خوش‌تیپ که شلوارهای جین تنگ و عینک‌های آفتابی شیک و مدل‌دار پوشیده بودند، همین طور بخش عظیمی از طبقه‌ی کارگر حضور داشت و هم چنین زنانی

جنبش شهروندان آزاد در موقعیت انقلابی

جعفر پویه

دزدان و ربایندگان اعتماد عمومی مردم و سوو استفاده چپها خود را برای به یغما بردن حاصل کار آنها آماده می کنند. باید بدانند که هر که سر تراشید و کله کج نهاد، آیین سروری نمی داند و این سگان برای ربودن نان کودکان آنها در پیرامون شان می چرخند. همانگونه در سال ۵۷ کردند و حاصل سالیان دراز تلاش مردم برای آزادی و دموکراسی را به یغما بردند، به اعتماد آنها خیانت کردند، دامن صداقت و صمیمیت آنها را لکه دار کرده، دست تطاول در دسترنج آنان نهادند و همه چیز را نابود کردند. آری، در این راه خطرها فراوان است و این باغ پر از صمیمیت و صفا را آفت بسیار.

شادان برآید

سالهای زیادی بدون شما، شما جوانانی که امروز میداندار این میدان هستید گذشته است. ما بدون شما، در برابر این موج بلا خیز ایستادیم. بسیاری از برادران و خواهران من و ما بر دار شدند. آنانی که در برابر تندر ایستادند، خانه را روشن کردند و مُردند. همانهایی که چراغ این مبارزه را تا امروز با شیره جان خود فروزان نگه داشتند. آنانی که شهامت و شجاعتی باور نکردنی را در برابر گماشتگان استبداد به نمایش گذاشتند، حسرت یک "نه" را بر دل آنها نهادند و سرفراز و استوار سربه دار شدند و ننگ تا امروز را برای آزادی ستیزان آفریدند. همانهایی که خاورانها را گلزار کردند، آنهایی که در جای جای وطن اسیر در دست مشتکی اوباش و زنگی مست در دل خاک خفته اند، آنان رهروان راهی بودند که امروز شمایان سرانداران پای در آن نهاده اید تا آرمان فریاد شده شان را به واقعیت تبدیل کنید. آری در این مُلک سالهایی بسیاری بی شمایان سخت گذشت. تسمه های شلاق بی گردهای آزادیخواهان نقش بست و مرگ آفرینان لباده دین به تن دسته دسته آنان را با حکمی چند ثانیه ای محکوم به مرگ کردند. دلبران استقامت کردند و جباران کشتند تا امروز شمایان بر این خاک بروید و پرچمهای دستان پرتوان بر خاک خفته را بردارید و فریاد برآید که "برادر شهیدم ایران را پس می گیرم". حال دیگر نوبت این آسیاب در کف شماست. به یاد آرید که پیش از شمایان در خیابان آزادی و میدان انقلاب فریادگرانی بودند که ندا در دادند که "استقلال، آزادی - اینست شعار ملی" و بدانید که دجالان قمه به دست و گماشتگان مزدور مسلح به انواع اسلحه، چلوشان را با رگبار گلوله پاسخ دادند و تن نیمه جان آنان را نیز به فتوای شقاوت پیشگان تمام گش کردند تا حکومت جور و ظلم اندکی پیشتر بماند و بقیه در صفحه ۱۲

که هرگز در اینگونه مجامع دیده نشده بودند، خود سردسته و سازمان دهنده شدند و چه زیبا که ابتکارهای بدیعی نیز در کار کردند. اجتماعی وسیع و بزرگ تنها با یک خواسته ی مبارزه با استبداد و دیکتاتوری، یک صدا و بلند فریاد برداشت و روز به روز آرایشی تنگ تر و محکم تر یافت. قرارها تند و پشت سرهم بدون هیچ پرسش و یا دلیلی گذاشته می شد و بار دیگر یاد و خاطره آخرین سالهای دهه پنجاه در فکر و ذهن هم سن و سالهای من شروع به زنده شدن کرد. حال این ماییم و میدان و دشمن بزرگ سالیان سرکوب و قتل و کشتار. حال این ماییم و اجتماعهایی که به هم پیوسته می شوند و برای درهم کوبیدن سد اختناق و سرکوبگری گماشتگان استبداد عزم خود را جزم می کنند. میدانداران جوانانی هستند که شور و شوق جوانی را با انرژی اقتصادی سن همراه کرده محکم و با اراده تصمیم به شکستن کمر استبداد دارند. خوشا عزم و تصمیم شان، خوشا شادابی حرکتها و رسایی فریادشان، این آنها و میدان و دیو استبداد و این ما و همراهی و در اختیار گذاشتن تجربه های سالیان دراز کم شمار بودن و مقاومت کردن تا روزی که امروز است فرا رسد. دوستی و رفاقت عطر فضای اعتراضهای این روزهاست. همدلی از همزبانی خوش تر آمده است و یاری و پشتیبانی را اما اگر نیست. این فضا، فضای انقلاب است. آنچه در لابلای جمعیت می چرخد حکایت از کاری سترگ دارد و انگار آنها خود را برای کاری بزرگ تر آماده می کنند. نا گفته ها بیش از سخنهایی است که به گوش می رسد. انگار چشمها نگران چیزی اند که در دور دست به دیده نمی آید اما حواس جمع همه گویی وجودش را حس می کند. تدارک کار بزرگ را با کارهای روزانه ای که بیشتر به آماده سازی می ماند تمرین می کنند و دو و گاه جمعی بزرگتر به تبادل نظر و گفتگو می پردازند. انگار نوعی نظر سنجی است و برنامه ای از قبل تدارک شده را تمرین می کنند تا در روز موعود درست آنچه باید شود را انجام دهند.

آفت در کمین

این جمع صمیمانه اما باید هشیار باشد. آنهایی که با خلوص نیت و ساده دلی دل به این دریا زده اند باید بدانند که در این ورطه، راهزنهایی بسیاری در کمین اند. باید گفت که

کرد. حال دیگر این گزارشگران معتبر و یا خبرنگاران پرشهامت و نکته سنج فلان و بهمان موسسه نیستند که خطر می کنند و یا آموزه های خود را به موقع به کار می گیرند تا دیگر مردمان را از بهره شغل خویش آگاه سازند بلکه، این مردمانی هستند که رژیم آزادی ستیز و آدمکش تصمیم به محدود کردن اخبار اعتراضهای آنان را دارد و آنها با عزمی راسخ سرکوبگران را به پس می راند و سد سانسور آن را بر سرش با فیلمها و عکسهایی که به خوبی اتفاقها را به تصویر می کشد، خراب می کنند. اکنون نوبت تماشگرانی است که شاهد تلاش قهرمانانه مردمی هستند که برای رسیدن به آزادی و منکوب کردن استبداد و گماشتگان آن به میدان آمده اند. آنها گزارشهای متفاوت مردم را می بینند و برای حمایت آنها سعی می کنند کاری انجام دهند. چه می کنند؟ صفحه های روزنامه ها و تلویزیونهای سرتاسر جهان پر است از گزارشهایی درباره این حمایتها و ابتکارهایی که حال در این طرف ماجرا به کار گرفته می شود. در یک کلام، این ارتش مردم است که با همه امکانش در خیابان است و در مقابل دم و دستگاه سرکوب حکومتی آرایش می گیرد. ابتکارها یکی پس از دیگری از راه می رسند. هنگامی که مردم میداندار هستند و خود مجبورند دست به حرکت بزنند، هر کس هرآنچه در چنته دارد به میانه داو می اندازد و در این اشتراک همگانی است که ابتکارهای مردم به شکوفه می نشیند و عطر دل انگیز گلهای زیبایی آن در همه جا پراکنده می شود.

جمع مستان

اما در این میان بیش از همه ایرانیانی که سالها بود با اعتراض و مبارزه و تظاهرات به هزار و یک دلیل قهر کرده بودند و به کناره می رفتند، همچون کسانی که از خواب غفلت بیدار شده باشند هشیار و محکم روانه خیابانها شدند. حنای مصلحت اندیشی و بهانه های بیهوده برای فرار از زیر بار مسوولیت بی رنگ شد. شادی به و سیمای اعتراض کنندگان باز آمد و تجمعهایی که با چند ده نفر برگزار می شد، ابتدا صدها و بعد به هزاران رسید. هر کس از زاویه دید و نظرگاه خود به خیابان آمد. اما آنچه بیش از همه چشمگیر است، به اغما رفتن اختلافها بود و فضا رنگ و بوی دوستیها و رفاقتها را باز یافت. کسانی

در میانه میدان

جنبش حق طلبانه مردم ایران گرم و پرطنین خیابانهای شهرهای مختلف را فتح کرده است. تسخیر خیابانها توسط مردمی با اراده و مصمم به معنی بیرون آوردن آن از چنگ نیروهای سرکوبگری است که تحت نام طرحهای مختلف سعی داشتند حاکمیت بلامناع خود را بر آنها به رخ همگان بکشند. از کار انداختن و چارو کردن این نیروها از سطح خیابانها و حضور قهرمانانه جوانان پر شور برای نبرد با دیو استبداد آنچنان شور و ولوله ای در دلها افکند که انعکاس آن در چار گوشه گیتی پر صدا شنیده می شود. به کارگیری درست تکنولوژی توسط مردم و انعکاس مبارزات و تحرک نیروهای متفاوت در نقاط مختلف، طرح سرکوب پنهان از چشم جهانیان را ناکارآمد کرد. تبدیل شدن هر شهروند به یک گزارشگر و استفاده عالی و بدون نقص از امکانات برای انعکاس وقایع، بی شرمی حکومت در بستن روزنامه ها و زندانی کردن روزنامه نویسان و گزارشگران و بیرون کردن خبرنگاران خارجی برای پنهانکاری را برهم زد و جای خالی آنان را پر کرد. گزارشهای ارسالی مردم آنچنان زیبا و بی نقص است که اکثر خبرگزاریهای معتبر جهان، فیلمها و گزارشهای تصویری آنان را به عنوان مواد کاری پذیرفته و پخش کردند. کیفیت پایین این تولیدات به علت به موقع و تازه و از مرکز اتفاق ارسال شدن آنها به چشم نیامد و خبرگزاریهای حکومتی را به علت دروغگویی درباره وقایع از درجه اعتبار ساقط کرد. هم این نشانی از زیرکی مردمی دارد که با حيله و دغل و فریب رژیم آزادی ستیز و مردمکش آشنا هستند و راه خنثا سازی آن را پیدا کرده و به خوبی نقشه های گماشتگان آنها را بیهوده ساختند.

هیچ چیز در خیابانها از چشم تیز بین مردم پنهان نماند. هیچ مصلحت و یا عاقبت اندیشی برای خود سانسوری و یا کم و زیاد کردنها اتفاقها در کار نبود و به دلیل صداقت حاکم بر این گزارشها از مقبولیت بسیار بالایی از سوی دیگر مردمانی که آنها را مشاهده کردند برخوردار شدند. اعتبار این گزارشها صادقانه و غیر حرفه ای، همچنین اعتبار مردم آزادیخواه حاضر در خیابانها را در نزد جهانیان تثبیت

جنبش شهروندان آزاد در موقعیت انقلابی

بقیه از صفحه ۱۱

برافکنند آن را از ستیخ این بلندی به دست پر توان شمایان نوبت رسد. حال این شما و این میدان بزرگ و این حمایت همه جانبه از اقصا نقاط جهان برای شما! هشدار که این همه را به درستی استفاده کنید و نهال آزادی را در خاک تشنه میهن برویانید که دیر زمانی ست در انتظار آن چشم براه شمایان است.

به دنبال هویت اجتماعی و طبقاتی

اما یادتان و یادمان باشد که استبداد هویت ما را انکار کرده است. همان استبدادی که با تمامیت خواهی، بت بزرگ شعار بی هویت سازی من و ما را با "حزب فقط حزب الله" شدنی کرد. او بود که با طرح یک موضوعی ناشناخته و بی بُن و بته موفق شد تا گام اول برای بی هویت ساختن اقشار متفاوت و طبقات اجتماعی را بردارد. انحلال همه‌ی احزاب، حتا حزب جمهوری اسلامی که افراد "خودی" آن برای حفظ و برقراری استبداد تازه کار برپا کرده بودند، گام اول بود. همه تشکلهای سیاسی و اجتماعی را برهم زد. طبقات و کارورزان را از داشتن تشکل صنفی برحذر داشت و رد هر آنچه نشانی از تمدن و مدنیت قرن بیستمی داشت را با انگ آمریکایی و غربی یا به جرم کمونیستی بودن زدود و یک برهوت بی تشکلی را بر ما تحمیل کرد. این گام اول برای برقراری استبداد بود. آن روزها شاید این درک امروزی نسبت به شعار "حزب فقط حزب الله" وجود نداشت اما امروز دیگر همه‌ی ما به خوبی می دانیم که اولین گام برای پس راندن استبداد، هویت خواهی و تکیه بر آن است. این هویت حقوق سیاسی اجتماعی ما را ناکزیر می کند، این هویت اجتماعی و طبقاتی است که موقعیت ما را در این جامعه مشخص می کند. امروز این هویت خواهی در جامعه یک جنبش شهروندی را شکل داده است. درک درست از این موقعیت به معنای حرکت درست بر مداری مشخص است. در این راستاست که ما بار دیگر بر می خیزیم و با صدای بلند هویت از دست رفته خود را فریاد می کنیم و بار دیگر بر می گردیم به جنبش صد سال قبل پدران خود که قانون و هویت شهروندی خود را درخواست می کردند. زیرا در صورت پذیرفته شدن این خواست است که کمر استبداد شکسته خواهد شد. آن وقت

مجبورش می کنیم دفتر دستک حوزوی خود را جمع کرده و به گوشه حجره های نور خود برای انجام اموراتی که به خودش مربوط است باز گردد. پس بلند تکرار می کنیم، اگر این جنبش "جنبش شهروندان آزاد" است برای هویت یابی و تثبیت موقعیت اجتماعی و طبقاتی خود، پس نیازمند قدماتی برای رسیدن به آن خواسته ها هستیم. اگر استبداد و پدر خوانده او خمینی در گام اول همه تشکلهای ما را برهم زد و آنها را منحل کرد، پس باید هرچه سریع تر آنها را بازسازی کرد. یک جامعه مدرن، باید سازمانهای متناسب خود را داشته باشد. به زبان دیگر، هیچ جامعه ای مدرن نخواهد بود مگر این که سازمانهای خاص خودش را داشته باشد. شهروندان آزاد این جوامع کسانی هستند که در سازمانهای سیاسی، اجتماعی، صنفی و فرهنگی خود را سازمان داده اند. نظم در این جوامع حرف اول را می زند و اگر می خواهیم که از تشتت بگریزیم و دچار سرگردانی نشویم، اگر می خواهیم که بار دیگر نتوانند به جای سازمانها و تشکلهای ما، دفتر و دستک حوزوی و بی ریشه و بته خود را جایگزین کنند، پس برای تثبیت موقعیت خویش و چاره جویی و هم اندیشی درباره حقوق و خواسته های خود، سازمانهای مورد نظر و دلخواه خود را برپا کنیم. هر آینه برپایی آنها مساوی است با یک گام بزرگ برای به پس راندن استبدادی که نفی آنان یکی از وظایف حیاتی ست زیرا استبداد واقف است که یک توده بزرگ و غیر متشکل را به راحتی می تواند کمر شکن کند و آن را همانطور بی تشکل و سازمان، گله وار نگه دارد تا نیازمند چوپان و رمه بان باشد. هیچ جامعه ای سازمان یافته ای را نمی شود با فتوا و دستورهایی که برای جوامع بی تشکل و رمه وار کاربرد دارد اداره کرد. سازمانیابی و تشکل اجتماعی و سیاسی کلید موفقیت و تفوق بر استبداد است. پس در حالی که برای به دست آوردن حقوق خود تلاش می کنیم، این سعی و تلاش را نیز به کار اندازیم تا با برپایی سازمانها و تشکلهای خاص خود، جامعه را از حالت توده وار و گله ای در آورده و شکل و صورتی مدرن به آن بدهیم. این یعنی سیلی محکمی به صورت استبداد و ناسور کردن آن برای فرمانروایی بر توده های بی شکل نیازمند دستورات فله ای و همه باهم. بسیاری این جنبش را غیر طبقاتی و درهم و بی هویت می دانند و نمی توانند آنرا درک کنند. کسانی نیز بر اساس تقسیمات جغرافیایی و حوزه تمرکز معترضان اعتقاد دارند که این حرکت و قیام شهروندان و طبقات

زنان ستون محکم حقوق شهروندی

پر واضح است که بخش عظیمی از مردم ایران را زنان تشکیل می دهند. زنانی و دخترانی که درصد بالایی از ورودی کنکور سراسری و دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاهها را تشکیل می دهند. این بخش بزرگ مردم ایران توسط استبداد دینی از ابتدای به حاکمیت رسیدن استبداد بی هویت شده و به عنوان نیمی از انسان که توان و صلاحیت پذیرفتن مسوولیتهای بزرگ را ندارد، به پس رانده شده است. حال به همین دلیل زنان و دختران بسیار با رشادت و قهرمانانه در میدان حضور دارند و با صدایی بلند هویت خویش را فریاد می کنند. سینه "ندا" آماج گلوله بی هویت سازان می شود. "ترانه موسوی" به طرز فجیعی به قتل می رسد و جسدش در بیابان رها می شود. سعی می کنند ترس را به جامعه تزریق کنند تا آن را به خانه بازگردانند. اما اینگونه نمی شود. "ندا" تبدیل به سمبل جنبش شهروندان آزاد می شود زیرا این شهروندان آزاد قرن بیست و یکمی، حاضر به تحمل این تحقیر نیستند. آنان بر هویت خویش پا می فشارند و خواهان تثبیت این هویت هستند. همچنین این موضوع درباره دیگر اقشار و طبقات اجتماعی صادق است.

چاره کار تشکیلات است

اگر استبداد مذهبی تشکل صنفی کارگران و کارکنان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران را نمی پذیرد، این از بخل و یا بد طبیعتی آن نیست. استبداد چیزی به نام کارگر و یا کارمند را به رسمیت نمی شناسد تا حقوق اجتماعی یا صنفی برای آنها قایل باشد. دانشجویان را به دلیل برپایی تشکلهای دانشجویی دستگیر و زندانی می کنند. زنان برای برپایی جمعهای که حقوق ابتدایی را آموزش می دهد تحت پیگرد قرار می گیرند و رهبران سندیکاهای کارگران را به زندان می اندازند زیرا استبداد از تشکل یابی طبقات و اقشار اجتماعی وحشت دارد. بنابراین، حرف اول را در مصاف با

استبداد این جنبش که من آنرا جنبش شهروندان آزاد می نامم، هویت می زند. هویت طلبی و بازگشت دادن حقوق شهروندی خود به عنوان یک شهروند آزاد خواسته این جنبش است. شهروند حق دارد که برای خود و هم طبقاتی و هم صنفیهای خویش تشکل درخواست کند. او می خواهد به شیوه ای متمدانه حقوق اجتماعی، سیاسی و صنفی خود را تثبیت و پیگیری کند. برای اینکار نیازمند تشکل است اما استبدادی که هیچ کدام از این حقایق را به رسمیت نمی شناسد، حاضر به قبول و پذیرش چیزی به عنوان شهروندان آزاد نیست. او آنها را امت اسلامی می نامد که همه صغیر هستند و نیازمند ولی و یا بزرگتری که برای آنها تصمیم گیری کند. در قرن بیست و یکم، شخصی به دلیل این که خود را نماینده و برگزیده خدا می داند، خود را مجاز می شمارد تا حقوق بیش از ۷۰ میلیون انسان را لگد مال کند و به شیوه عصر بادیه نشینی برای همه آنان تصمیم گیری کند. این یعنی بی حقوق کردن همه مردم و شهروندان یک کشور. این یعنی نفی طبقات اجتماعی و پیرو آن، نفی حقوق طبقاتی که به آنان تعلق می گیرد. او خود را منبع مشروعیت می داند و حق و نظر میلیونها شهروند آزاد را به هیچ می انگارد زیرا آنها را صغیر و نادان و خود را ولی و تصمیم گیرنده آنها می داند. پس برای این که این عمل استبداد را که سابقه تاریخی طولانی ای هم دارد خنثا کنیم، ابتدا باید سازمانها و تشکلهای خاص خود را برپا کنیم. در چنین حالتی است که می توانیم یک دموکراسی مدرن را برای میهن خویش پایه ریزی کنیم. تدوین خواسته های خود در تشکلهای طبقاتی- صنفی، در شوراها، کمیته ها، سندیکاهای ... و در ادامه انتقال آن به تشکلهای بالاتر تا جایی که در صورت تشکل مجلس مووسسان و یا برگزاری همه پرسی و رفراندوم همه بدانند چه می خواهند و آنچه خواسته های آنان است را با توجه به کارکرد تشکلهای مدرن و اجتماعی که از پایین شکل گرفته است، در بالا پیگیری کنند.

در یک کلام، نیاز امروز ما تشکیلات است؛ تشکلهای صنفی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... هر آنگونه که خود تشخیص می دهد برای راهی از دام استبداد به سرعت به تشکل یا بازسازی تشکلهای خود اقدام کنید. جامعه خود را از دام بی هویت شدن به دلیل عدم سازمانیافتگی و به همین دلیل عدم رسمیت یابی طبقات و اصناف و ... برهانید. در چنین صورتی است که جنبش شهروندان آزاد به خواسته های خود بسیار نزدیک تر خواهد شد و امکان نخواهد داد که هر کسی برای رهبر خود خوانده شدن و به دست گرفتن نبض جامعه به هزار و یک دلیل و از همه مهمتر، عوام فریبی بار دیگر تلاش قهرمانانه شمایان را در بانالافی دیگر فرو برد و زحمات و تلاش و جانفشانیهای غرور آفرین شما را به نفع خود مصادره کرده و به هدر دهد.

گزارش تجمع و راهپیمایی ایرانیان ساکن شهر آمسفورت - هلند

برابر تظاهرات آرام مردم و تیر اندازی به سوی مردم که منجر به قتل عده بسیار زیادی از آنان شده است را محکوم می کنیم.

ما حمله عوامل لباس شخصی و نیروهای وزارت اطلاعات به خوابگاههای دانشجویان و ضرب و شتم آنان که منجر به قتل عده بسیاری از آنها شده و همچنین دستگیری گسترده دانشجویان را محکوم می کنیم.

ما دستگیری گسترده فعالان سیاسی و اجتماعی و شخصیت های سرشناس را محکوم کرده و خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط آنان هستیم.

ما دستگیری وسیع خبرنگاران و روزنامه نگاران ایرانی را محکوم کرده و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط آنان هستیم. ما اخراج خبرنگاران روزنامه ها و تلویزیونها و خبرگزاری های سرشناس غربی از ایران را محکوم کرده و خواهان بازگشت آنان به ایران و اجازه فعالیت آزاد آنها برای تهیه خبر و گزارش هستیم.

ما سانسور گسترده روزنامه ها و فیلترینگ اینترنت و قطع تلفن های همراه را که جلوگیری از گردش آزاد اطلاعات است را محکوم می کنیم.

ما حمله و تهاجم گسترده نیروهای انتظامی، سپاه، بسیج و نیروهای لباس شخصی به تجمع آرام و مسالمت آمیز مردم را

محکوم کرده و خواهان حق برگزاری تجمع و گردهم آیی آزاد برای مردم ایران هستیم. ما تیر اندازی به سوی تظاهر کنندگان در خیابانهای ایران را که منجر به قتل بسیاری از مردم شده را محکوم کرده و خواهان دستگیری و محاکمه آمران و عاملان کشتار مردم و جوانان بیگناه را دادگاهی عادلانه هستیم.

ما ضرب و شتم و کتک زدن تظاهر کنندگان توسط عوامل حکومت را محکوم کرده و خواهان دستگیری و محاکمه کسانی هستیم که با اسلحه سرد باعث بوجود آمدن جراحات بسیاری بر مردم تظاهر کننده شده اند.

ما خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط همه تظاهر کنندگانی که دستگیر شده اند هستیم. ما شکنجه و ضرب و شتم دستگیر شدگان را محکوم کرده، اعلام می کنیم: مسئول سلامتی و جان دستگیر شدگان مقامات رژیم جمهوری اسلامی هستند و در صورت بوجود آمدن هرگونه خسارت جسمی و جانی به دستگیر شدگان مقامات باید در برابر آن پاسخگو باشند.

ما دولت احمدی نژاد را که محصول یک تقلب گسترده انتخاباتی است غیر قانونی و نامشروع دانسته و به رسمیت نمی شناسیم و آنرا نماینده مردم ایران نمی دانیم.

ما از دولت و پارلمان هلند درخواست داریم تا به خواست مردم ایران که با حضور بقیه در صفحه ۱۴

قراردادهای اقتصادی و سختگیری شدیدتر در مورد رژیم ایران در این رابطه از سوی اتحادیه اروپا است.

ما از کشورهای دیگر هم دعوت می کنیم که به رژیم ایران فشار وارد کنند تا سرکوب اعتراض کنندگان را متوقف کرده و حقوق آنها به رسمیت بشناسد.

Joel voordewind
نماینده پارلمان هلند - از حزب اتحاد مسیحی

سپس رفیق جعفر پویه به سخنرانی پرداخت.

متن کامل این سخنرانی در همین شماره چاپ شده است.



سپس آقای داریوش اخوان پس از قرائت متنی در ستایش از مبارزات مردم ایران قطعنامه پایانی مراسم را قرائت کرد که بندهای مختلف آن با کف زدن اعتراض کنندگان مورد تأیید قرار گرفت.

قطعنامه تجمع در حمایت از مبارزات مردم ایران

ما ایرانیان ساکن کشور هلند، تجمع کنندگان در روز ۲۸ ژوئن ۲۰۰۹ در آمسفورت اعلام می کنیم:

مبارزه مردم ایران برای دستیابی حقوق انسانی خود یعنی آزادی و حکومتی دموکراتیک بر حق بوده و ما از خواسته های آنان حمایت می کنیم. مردم ایران تقلب گسترده عوامل خامنه ای و دولت احمدی نژاد در انتخابات را محکوم می کنند و با برگزاری تظاهرات مسالمت آمیز خواهان ابطال آن هستند. تقلب گسترده در انتخابات برای مردم قابل قبول نیست آنان خواهان ابطال انتخابات قلابی و برگزاری انتخاباتی آزاد و دموکراتیک با نظارت سازمانهای بی طرف بین المللی هستند. ما از این خواست برحق مردم ایران حمایت می کنیم.

ما رژیم دیکتاتوری جمهوری اسلامی را به دلیل عدم تحمل و بردباری در

کند. شرکت کنندگان با بدست گرفت عکس هایی از شهدا اعتراضات اخیر به ویژه "ندا آقا سلطان" و عکس های دیگری از اعتراضات اخیر همراه با شمع و گل، همچنین کسانی نیز با پرچم ایران و دست نوشته هایی با مضمون حمایت از مبارزات مردم ایران و محکوم کردن رژیم جمهوری اسلامی به راهپیمایی پرداختند. اعتراض کنندگان در طول مسیر با خواندن سرودهای متفاوت صدای اعتراض خود را به ساکنان شهر رساندن و با دادن شعار راهپیمایی را تبدیل به پژواک صدای مردم ایران کردند. قابل ذکر است که نقش زنان و دختران شیر دل ایرانی در این تجمع نیز بارز بود و در اکثر موارد ابتکار عمل آنان در بهتر کردن راهپیمایی و دادن شعارها تحسین همگان به ویژه هلندی های حاضر در جمع را برانگیخت. همچنین در طول مسیر نوشته های توضیحی در مورد اعتراضات مردم ایران و خواسته های برحق آنان و متن قطعنامه تظاهرات و عکس های تظاهرات در ایران توسط زنان و دختران ایرانی در بین مردم که به تماشای تظاهرات و راهپیمایی در خیابان ایستاده بودند توزیع شد که مورد استقبال آنها قرار گرفت. تعدادی از مردم تماشاگر پس از قرائت متن های توزیعی به تظاهر کنندگان پیوستند و عده ای نیز با صدای بلند و با اشکال دیگر حمایت خود از راهپیمایی را نشان می دادند.

در محوطه مقابل ایستگاه مرکزی راه آهن شهر آمسفورت، ابتدا تجمع کنندگان با شعارهای گوناگون سعی کردند تا نظر مردم را به تجمع خود جلب و همراهی آنان را درخواست کنند. سپس پیام آقای "یول فور د ویند" از حزب اتحاد مسیحی توسط آقای داریوش اخوان قرائت شد. در این پیام آمده بود:

حزب اتحاد مسیحی "ChritenUnie Partij": بدینوسیله همدردی خود را با ایرانیان اعلام می دارد. ما از کشته شدن دهها ایرانی و زخمی شدن آنها در وضعیتی تاسف بار بسیار ناراحت و نگران هستیم.

ما خواهان آزادی زندانیان سیاسی و دستگیر شدگان تظاهرات اخیر، و خواهان توقف ضرب و شتم و تیراندازی به سوی تظاهر کنندگان هستیم. ما خواهان تحقیقات مستقل از سوی مراجع بین المللی درباره تقلبات وسیع در انتخابات قلابی هستیم.

ما خواهان نظارت مراجع بی طرف بین المللی برای برگزاری یک انتخابات آزاد در ایران هستیم.

و هم این طور حزب اتحاد مسیحی خواهان تحریم ارتباطات مالی و

در تدارک برای برگزاری تظاهرات در حمایت از مبارزات مردم ایران در شهر آمسفورت، کمیته ویژه ای از ایرانیان ساکن در هلند و شهروندان هلندی تشکیل شد. این کمیته برای برگزاری جمعی فراگیر دست به اقدامات وسیعی زد. از جمله با صدور اطلاعیه ای از همه اقشار ایرانیان و هلندی های علاقمند به موضوع ایران و مدافع حقوق بشر دعوت کرد تا در تجمع آنان در روز یکشنبه ۲۸ ژوئن گردهم آیند. در راستای هرچه وسیعتر برگزار شدن این تجمع اعتراضی، کمیته در تماسی که با نمایندگان پارلمان هلند برقرار کرد، در نهایت موفق به گرفتن یک قرار ملاقات با آقای "یول فور د ویند" از حزب اتحادیه مسیحی شد.

روز شنبه ۲۷ ژوئن خانمها آرزو سعیدی و M. Kruse، آقای داریوش اخوان و رفیق جعفر پویه در ملاقات با آقای "فان د ویند" "Joel

"Voordewind" درباره موقعیت ویژه کنونی مبارزات مردم ایران، خواسته های به حق آنان و خشونت بی رحمانه رژیم جمهوری اسلامی با تظاهرات کنندگان، دستگیری فعالان سیاسی و اجتماعی و روزنامه نگاران توضیحاتی دادند و از او درخواست همیاری در پژواک صدای اعتراض مردم ایران در هلند کردند. آقای Voordewind بجز قولهایی که در مورد کمک به موقعیت ویژه ایرانیان از طریق پارلمان را داد، متنی را خطاب به تظاهر کنندگان و تجمع کنندگان روز یکشنبه نوشت و در اختیار کمیته قرار داد تا در تجمع آنان قرائت شود.

در ادامه کمیته برای بهتر شدن این تجمع تصمیم گرفت تا نمایشگاه ویژه ای از عکس ها و فیلم های اعتراضات مردم و خشونت عوامل رژیم با آنان و حضور با شکوه زنان و دختران ایرانی در اعتراضات ترتیب دهد. برای این کار تعداد بسیار زیادی عکس و اسلاید، فیلم های منتشر شده در اینترنت، نمآهنگ و موسیقی تهیه و با شکل زیبایی توسط ایرانی - هلندی هایی که به کمک کمیته آمدند در محل تجمع با شمع و گل تزئین شد.

همچنین کمیته مراسم ویژه ای در یاد بود شهدا و زنان و مردان رشیدی که بدست سرکوبگران رژیم جمهوری اسلامی سرو قامت شان بر خاک افتاده است، برگزار کرد، که با استقبال شرکت کنندگان مواجه شد.

همچنین کمیته تصمیم گرفت تا از محل گردهم آیی تا ایستگاه مرکزی راه آهن شهر آمسفورت راهپیمایی کرده و سخنرانی خود را در محوطه ایستگاه راه آهن مرکزی شهر و در ملا عام برگزار

متن سخنرانی رفیق جعفر پویه در تجمع و راهپیمایی ایرانیان ساکن شهر آمسفورت - هلند

هم میهنان آزاده، انسانهای شریف و انسان دوست؛

این روزها خواهران و برادران ما در ایران برای حقوق انسانی خود در خیابانهای پای می فشارند و خواهان آزادی و دموکراسی هستند. اما رژیم استبدادی جمهوری اسلامی پاسخ اعتراضات آرام و متمدنانه آنان را با گلوله می دهد.

انسانهای شریف، خواهران و برادران ما اعتراض خود را بر علیه رژیم ستمگر جمهوری اسلامی با فریاد "مرگ بر دیکتاتور" به گوش همه جهانیان رسانیده اند. مردم شعبده بازی انتخابات رژیم که با تقلبی باور نکردنی احمدی نژاد را برنده آن اعلام کرده، نمی پذیرند. اما رژیم ستمگر با زور از مردم می خواهد تا به تقلب آشکار و گسترده آنان گردن بگذارند. اما مردم به خیابان آمده و با برگزاری تظاهرات وسیع و گسترده خواهان ابطال انتخابات تقلبی هستند. رژیم ولایت فقیه سالهاست با رای سازی خود را مورد قبول بیش از ۷۰ میلیون ایرانی معرفی میکند، اما این روزها مردم حاضر در خیابانهای کشور ما با صدای بلند فریاد می زنند: "مرگ بر این دولت مردم فریب".

خانمها و آقایان، دموکراسی و آزادی از حقوق ابتدایی و اولیه همه جوامع انسانی است. ملت ایران برای بدست آوردن آزادی با تظاهرات آرام در خیابانها این خواست خود را اعلام کرده و با صدای بلند می گویند که دولت متقلب و دروغوی احمدی نژاد منتخب آنان نیست و رژیم ظالم و ستمگر جمهوری اسلامی مسبب همه مشکلاتی است که امروز در وطن ما وجود دارد. مردم به خیابانها آمده اند تا یکبار و برای همیشه به آنانیکه جمهوری اسلامی را مورد قبول مردم ایران معرفی میکنند بگویند که این نظر و عقیده دروغ و خالی از محتواست. رژیم جمهوری اسلامی میلیاردها دلار از پول فروش نفت که ثروت ملی آنان است را صرف ساخت بمب اتمی، صدور تروریست و بنیاد گرایی میکند. درحالیکه بسیاری از مردم ایران بیکارند و خانوادها

بسیاری نیازمند غذای روزانه خود هستند.

مردم ایران اعتراض خود را به دزدان و غارتگران ثروت ملی خود با صدای بلند اعلام میکنند و خواهان شنیدن این صدای اعتراض توسط همه کسانی که فکر میکنند با امتیاز دادن به این رژیم می توانند در غارت ثروت ملی ما شریک باشند هستند. ما همراه با خواهران و برادران خود در خیابانهای میهنمان اینجا تجمع کرده ایم تا بگوییم: خواسته های مردم حاضر در خیابانهای ایران خواسته های ما نیز است. ما از همه خواسته های بر حق خواهران و برادرانمان که در خیابانهای میهن مان با صدای بلند اعلام می شود حمایت کرده و خواهان شنیدن این صدای بلند و رسا از سوی همه گوشههایی هستیم که سعی دارند فریاد های مردم ایران را نشنیده بگیرند.

خانمها و آقایان، انسانهای شریف و انسان دوست؛

بیش از سی سال است که کشور ما تحت حاکمیت یک رژیم استبدادی مذهبی و آدمکش قرار دارد. آنها ما را از خانه و کاشانه مان بیرون رانده اند. ما به این علت در اینجا و در این کشور حضور داریم که از زندگی در زیر چکمه آدمکشان رژیم جمهوری اسلامی به تنگ آمده بودیم. اکنون که خواهران و برادران مان در ایران با همبستگی یکپارچه بر علیه رژیم ظالم و ستمگر جمهوری اسلامی قیام کرده اند. ما نیز همراه با آنها به صدای بلند از خواسته های برحق آنان حمایت کرده و برای رستار کردن صدای هم میهنان مان از هیچ کوششی فروگزاری نخواهیم کرد.

ما خواسته های مردم در تظاهراتهای مسالمت آمیز خیابانی که آزادی و دموکراسی است را تکرار کرده و اعلام می کنیم که دولت احمدی نژاد حاصل یک انتخابات تقلبی است و ما آنرا به رسمیت نمی شناسیم و از همه دولت‌های بزرگ و آنانی که به رای و نظر مردم اهمیت می دهند به ویژه دولت هلند می خواهیم تا دولت احمدی نژاد را به رسمیت نشناسد و اعتراض خود را بر علیه کشتار مردم بیگناه در خیابانهای ایران اعلام کنند. خانمها و آقایان: رژیم ستمگر جمهوری اسلامی که تا کنون خود را مقبول و مورد تایید مردم ایران معرفی می کرد. اکنون دروغویی را بکناری نهاده و با بی شرمی تجمع آرام و مسالمت آمیز مردم را به گلوله می بندد. آدمکشان و گزمه های رژیم ولایت فقیه تعداد بیشماری از دختران جوان و پسران معترض را با گلوله به قتل رسانده و عده بسیاری را زخمی کرده اند که در بیمارستانها بستری هستند. سرکوبگران مردم ایران شبانه

به خوابگاههای دانشجویان حمله کرده تعدادی را به قتل رسانده عده ای زیادی را مورد ضرب و شتم قرار داده و بسیاری را دستگیر کرده اند. ما رژیم جمهوری اسلامی را که قاتل فرزندان مردم ایران است، غیر قانونی دانسته و برچیدن آنرا حق مردم خود می دانیم. ما می خواهیم تا در ایران سیستمی بوجود آید که به حقوق مردم ایران احترام بگذارد و در راه رفاه مردم ثروت ملی آنان را بکار گیرد. رژیم جمهوری اسلامی نه تنها به غارت ثروت ملی مردم ایران می پردازد بلکه اعتراضات مسالمت آمیز آنان را به گلوله می بندد. ما تکرار میکنیم، رژیمی که پاسخ اعتراضات آرام و مسالمت آمیز شهروندان خود را با گلوله بدهد، ضد انسانی و شایسته هزاران لعنت است. ما همراه مردم ایران تکرار می کنیم که خواهان رژیمی ستمگر و آدمکش نیستیم. ما خواهان ایرانی آباد، آزاد و دموکراتیک براساس موازین جهانشمول حقوق بشر هستیم تا مردم آن بتوانند به آسودگی زندگی کنند و رابطه دوستانه ای با دیگر کشورها و مردم جهان داشته باشند. ما خواهان روابطی دوستانه و احترام آمیز با تمام کشورهای دنیا هستیم. ما با هیچکس و هیچ کشوری سر جنگ و ستیز نداریم. بنابراین رژیم جمهوری اسلامی که هر روزه بر طبل جنگ می کوبد و با بحران سازی و صدور تروریست و بنیاد گرایی باعث بوجود آمدن بحران و درگیری در منطقه و بسیاری نقاط دیگر جهان شده است را غیر مشروع دانسته و اعلام می کنیم که این رژیم مورد قبول مردم ایران نیست و باید برانداخته شود. ما خواهان آزادی، عدالت و رفاه برای مردم ایران هستیم. رژیم جمهوری اسلامی ثرت ملی ما مردم را بجای اینکه صرف رفاه عموم شود را برای ساخت بمب اتمی و پروژه های توسعه سلاح های غیر متعارف و صدور تروریست مصرف می کند. ما به این عمل رژیم اعتراض می کنیم و خواهان کوتاه کردن دست غارتگران و دزدان از ثروت ملی خود هستیم.

رژیم ستمگر جمهوری اسلامی امروز دیگر نمی تواند ادعا کند که مورد تایید عموم مردم ایران است؛ تظاهرات صدها هزاران نفری مردم ایران در خیابانها گواه این خواسته است که مردم ایران این رژیم را نمی خواهند، بنابر این مشروعیت این رژیم از بین رفته است. رژیمی که از نظر مردم ایران مشروعیت ندارد حق زندانی و محاکمه کردن زنان و مردان ایرانی را ندارد. ما با صدای بلند اعلام می کنیم، دادگاههای رژیم مشروعیت ندارند و نمی توانند زنان و مردان دستگیر شده را محاکمه کنند. تظاهرات آرام و مسالمت آمیز حق

شهروندان هر کشوری است. رژیم غیر قانونی و ستمگر جمهوری اسلامی حق ندارد تا کسانی را که به دلیل تظاهرات مسالمت آمیز دستگیر کرده محاکمه کند. همه زنان و مردانی که به طور غیر قانونی دستگیر شده اند باید فوری و بدون قید و شرط آزاد شوند.

خواسته مردم ایران آزادی و دموکراسی است. در حالی که در سالهای طولانی رژیم جمهوری اسلامی ثابت کرده است که ضد آزادی و دشمن دموکراسی است. ما خواهان برچیدن بساط رژیم جمهوری اسلامی و جایگزین کردن آن با رژیمی دموکرات بر اساس موازین شناخته شده توسط جوامع انسانهای متمدن هستیم.

پیروز با قیام حق طلبانه مردم ایران. نا بود باد رژیم ستمگر و ضد آزادی جمهوری اسلامی.

قطعنامه تجمع در حمایت از مبارزات مردم ایران

بقیه از صفحه ۱۳
میلیونی در خیابانهای ایران اعلام کرده اند احترام بگذارند و محمود احمدی نژاد را به عنوان رئیس جمهور مردم ایران به رسمیت نشاسند.

ما از دولت و پارلمان هلند درخواست داریم تا با فشار دیپلماتیک و تحریم رژیم ایران را وادار کنند تا به خواسته های انسانی مردمی که خواهان ابطال انتخابات قلابی و برگزاری انتخاباتی آزاد و دموکراتیک تحت نظارت سازمانهای بی طرف بین المللی هستند گردن بگذارند.

ما از دولت و پارلمان هلند درخواست می کنیم تا به مردم ایران برای رسیدن به آزادی و برقراری رژیمی دموکراتیک بر اساس موازین حقوق بشر هرگونه که خود صلاح می دانند کمک و یاری رسانند.

ما از دولت و پارلمان هلند درخواست داریم تا صدای اعتراض ما به سرکوب گسترده خواهران و برادران مانرا را شنیده و آنرا به گوش مقامات ایران برسانند و در راه اجرایی شدن خواسته های برحق ما هر گونه که می توانند کوشش کنند.

خواسته های ما افراد تجمع کننده، همان خواسته های خواهران و برادران مان در خیابانهای ایران یعنی آزادی و دموکراسی است. ما بدینوسیله حمایت همه جانبه خود را از خواهران و برادران مان اعلام کرده و همه مجامع انساندوست بین المللی به ویژه دولت و پارلمان هلند، دبیر کل سازمان ملل متحد، مقامات اتحادیه اروپا، سازمان عفو بین الملل و همه تشکلات مدافع حقوق انسانها در سراسر گیتی را دعوت میکنیم تا با حمایت از مردم ایران، آنها را در راه رسیدن به کشوری آزاد و دموکراتیک یاری رسانند.

اسامی تعدادی از شهدای قیام مردم ایران

گردهمایی اعتراضی حزب احیای کمونیستی به همراه انجمنها و شخصیت‌های سندیکایی و فرهنگی ایتالیایی برای اعتراض به سرکوب مردم ایران

هر شب ستاره ای به زمین می کشند و باز این آسمان غمزه غرق ستاره هاست

در روز چهارشنبه ۲۴ ژوئن در ساعت ۱۷ در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در رم (ایتالیا) برگزار شد. سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران در این گردهمایی به طور فعال شرکت نمود.

علی شاهی، ۳۱ خرداد ۱۳۸۸
پریسا کلی، ۳۱ خرداد ۱۳۸۸
وحید رضا طباطبایی، ۳ تیر ۱۳۸۸
یعقوب بروایه، ۴ تیر ۱۳۸۸
جعفر بروایه، ۷ تیر ۱۳۸۸
ترانه موسوی، ۷ تیر ۱۳۸۸
علیرضا افتخاری، ۹ تیر ۱۳۸۸

حمید مداح شورچه،
مریم مهر آذین،
میلاد یزدان پناه،
حامد بشارتی،
بابک سپهر،
ندا اسدی
امیر کویری،
فرزاد هشتی
محرم چگینی قشلاقی،
محمد حسین فیضی،
رامین رضائی،
آرمان استخری پور،
حمید عراقی
سعید اسماعیل خان ببین،
مهرداد حیدری،
علی فتحعلیان،
بهمن جنابی
سالار قربانی پارام،
حسین اخترزند،
حسن کاظمینی،
محمد کامرانی،
مریم لطفی،
محسن روح الامینی

میینا احترامی، ۲۴ خرداد ۱۳۸۸
فاطمه براتی، ۲۴ خرداد ۱۳۸۸
کسری شرفی، ۲۴ خرداد ۱۳۸۸
کامبیز شعاعی، ۲۴ خرداد ۱۳۸۸
محسن ایمانی، ۲۴ خرداد ۱۳۸۸
مصطفی غنیان، ۲۴ خرداد ۱۳۸۸

سهراب اعرابی، ۲۵ خرداد ۱۳۸۸
فهیمة سلحشور، ۲۵ خرداد ۱۳۸۸
حسین طهماسبی، ۲۵ خرداد ۱۳۸۸
کیانوش آسا، ۲۵ خرداد ۱۳۸۸
مهدی کرمی، ۲۵ خرداد ۱۳۸۸
ناصر امیر نژاد، ۲۵ خرداد ۱۳۸۸
فاطمه رجب پور، ۲۵ خرداد ۱۳۸۸
سرور برومند، مادر فاطمه رجب پور
۲۵ خرداد ۱۳۸۸
مسعود خسروی، ۲۵ خرداد ۱۳۸۸
ایمان نمازی، ۲۵ خرداد ۱۳۸۸
داود صدری، ۲۵ خرداد ۱۳۸۸
احمد کامرانی، ۲۵ تیر ۱۳۸۸

محمد نیکزادی، ۲۶ خرداد ۱۳۸۸
شلیر خضری، ۲۶ خرداد ۱۳۸۸

محمد حسین برزگر، ۲۷ خرداد ۱۳۸۸

ندا آقا سلطان، ۳۰ خرداد ۱۳۸۸
سید رضا طباطبایی، ۳۰ خرداد ۱۳۸۸
ایمان هاشمی، ۳۰ خرداد ۱۳۸۸
واحد اکبری، ۳۰ خرداد ۱۳۸۸
ابوالفضل عبدالهی، ۳۰ خرداد ۱۳۸۸
سالار طهماسبی، ۳۰ خرداد ۱۳۸۸
محسن حدادی، ۳۰ خرداد ۱۳۸۸
کاوه علی پور، ۳۰ خرداد ۱۳۸۸
سعید عباسی فر گلچی، ۳۰ خرداد ۱۳۸۸

احمد نعیم عبدی، ۳۰ خرداد ۱۳۸۸
نادر ناصری، ۳۰ خرداد ۱۳۸۸
مسعود هاشم زاده، ۳۰ خرداد ۱۳۸۸
حسین طوفان پور، ۳۰ خرداد ۱۳۸۸
تینا سودی، ۳۰ خرداد ۱۳۸۸
معزز، ۳۰ خرداد ۱۳۸۸
سید رضا طباطبایی، ۳۰ خرداد ۱۳۸۸
اشکان سهرابی، ۳۰ خرداد ۱۳۸۸
فرزاد جشنی، ۳۰ خرداد ۱۳۸۸



عکس: گردهمایی اعتراضی در برابر سفارت رژیم در بروکسل

اطلاعات بالا از منابع گوناگون جمع آوری شده است. ثبت اسامی صدها شهید جنبش آزادیخواهی مردم ایران که تا این تاریخ بالغ بر ۲۰۰ تن می باشد، وظیفه همه وجدانهای بیدار است.



ترانه موسوی



حسین طهماسبی



ندا آقا سلطانی



احمد نعیم آبادی



محسن روح الامین



علیرضا افتخاری



مسعود هاشمی



سعید عباسی



مهدی کرامی



اشکان سهرابی



محمد کامرانی



ناصر امیرنژاد



کیانوش آسا



بهمن جنابی



یعقوب پروانه



سهراب اعرابی

مصطفی قانین



داوود صبری



اجلاس میان دوره‌ی شورای ملی مقاومت ایران

سه شنبه، ۹ تیر، ۱۳۸۸ - ۱۲:۵۰

اجلاس میان‌دوره‌ی شورای ملی مقاومت با حضور خانم مریم رجوی، رئیس‌جمهور برگزیده‌ی شورا در روزهای چهارم و پنجم تیرماه ۱۳۸۸ همزمان با قیام شعله‌ور مردم ایران برای آزادی برگزار شد.

در نخستین روز اجلاس، که با برگزاری مراسم بزرگداشت شهادت ندا- سمبل شهیدان قیام - آغاز شد، خانم رجوی از شخصیت‌های الجزایری و فرانسوی شرکت‌کننده در این مراسم - خانم انیسه بومدین اسلام شناس، پژوهشگر و استاد دانشگاه و آقایان، سید احمد غزالی نخست‌وزیر پیشین الجزایر، ایوبونه استاندار و نماینده پیشین مجلس ملی فرانسه و ژیل پاروئل حقوقدان و رئیس پیشین کانون وکلای استان والدوا فرانسو - دعوت کرد به عنوان میهمان ناظر در اجلاس شرکت نمایند.

اجلاس شورا با سرود «ای ایران ای مرز پرگهر» سرود رسمی شورای ملی مقاومت افتتاح گردید. آنگاه رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت، با تجلیل از شهیدان قیام و با تقدیر از شجاعت دختران و پسران از جان‌گذشته میهن که برای آزادی در برابر پاسداران خامنه‌ای سینه سپر می‌کنند، به مردم به پا خاسته ایران درود فرستاد و افزود: این قیامها، زهرنظر، مایه مباهات تاریخی و ملی مقاومت ایران است. زیرا نوید بخش برقراری آزادی و حاکمی از درستی خطوط و سیاست‌های شورا است.

خانم رجوی با یادآوری بیانیه‌ها و اسناد شورای ملی مقاومت خاطر نشان کرد، شورا پیوسته بر نارضایتی انفجاری جامعه ایران و استعداد وافر آن برای تغییر دموکراتیک تأکید و اصرار کرده، پیوسته نظریه‌پردازها و دعاوی پوچ مماشائگران و متحدان رژیم درباره ناممکن بودن تغییر در ایران را مردود شمرده و همواره بر پوسیدگی ماهوی رژیم و بی‌ثباتی بنیادین آن پافشاری کرده است. هم‌چنان که شورا، هیچ‌گاه و در هیچ‌یک از دوره‌ها، کمترین اعتبار و مشروعیتی برای شعبده‌های انتخاباتی آخوندها قائل نشده و این «مهندسی» پر خدعه و نیرنگ را با ارائه اسناد و شواهد فراوان افشا کرده است. شورا همچنین بر ضرورت تغییر دموکراتیک، انحلال کلیه ارگان‌های سرکوبگر و برگزاری انتخابات آزاد تحت نظر بین‌المللی تأکید کرده است.

در بحث‌های دوروزه اجلاس شورای ملی مقاومت، اوضاع ایران، خیزش‌های توفنده مردمی، موقعیت مقاومت و اقدامات ضروری سیاسی و بین‌المللی در حمایت از قیام و خنثی کردن تمهیدات و توطئه‌های سرکوبگرانه رژیم ددمنش آخوندها مورد بحث قرار گرفت. اعضای شورا در سخنان

خود بر اهمیت سرفصلی قیام کنونی و انفجار خشم و نفرت متراکم مردم علیه تمامیت رژیم که در وضعیت شقه و شکاف در رأس حاکمیت، فرصت بروز یافته است تأکید کردند و سیر پرشتاب تحولات را در جهت تأیید ارزیابی شورای ملی مقاومت مبنی بر ضرورت سرنگونی رژیم ولایت فقیه توصیف کردند.

اجلاس میان دوره‌ی شورای ملی مقاومت در ادامه بحث‌های خود به موقعیت شهر اشرف پرداخت و ضرورت تضمین حفاظت و حقوق ساکنان اشرف را طبق قطعنامه مصوب ۲۴ آوریل پارلمان اروپا و کنوانسیونها و قوانین بین‌المللی راجع به حقوق ساکنان اشرف و نیز تعهدات و وظایف دولتهای آمریکا و عراق و ملل متحد در این خصوص، مورد تأکید قرار داد. همچنین اهمیت پیروزی کارزار سیاسی و حقوقی مقاومت ایران در حذف نام سازمان مجاهدین خلق ایران از لیست تروریستی اتحادیه اروپا مورد بحث قرار گرفت.

شورا با یادآوری خشم لجام گسیخته خامنه‌ای و اصرار رسمی و علنی او بر بستن اشرف و اخراج ساکنان از عراق در دهم اسفند گذشته، از ایستادگی و استواری مجاهدان اشرف و برخاستن موج همبستگی و حمایت هموطنانمان برای دفاع از ساکنان اشرف به عنوان مظهری درخشان از پایداری مردم و مقاومت ایران در برابر استبداد دینی و مطامعش برای بلعیدن عراق و توسعه تروریسم و بنیادگرایی یاد کرد و به قهرمانان سرفراز اشرف و مدافعان حقوق آنها در داخل و خارج میهن، صمیمانه درود فرستاد.

اجلاس شورا بزرگترین اجتماع تاریخ مبارزات ایرانیان در خارج کشور را که در ۳۰ خرداد ۸۸ در پاریس در همبستگی با قیام مردم ایران برای آزادی و دفاع از اشرف، برگزار شد، گواه بارزی از پایگاه اجتماعی، آمادگی سیاسی و اعتبار بین‌المللی یگانه راه حل دموکراتیک ارزیابی نمود. شورا سخنان رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت در این گردهمایی را ترسیم‌کننده مواضع روشن و مسئولانه مقاومت سازمان‌یافته در متن تحولات میهنمان و سندی ارزشمند برای تحکیم همبستگی ملی و تضمین پیشرفت و پیروزی در پیکار آزادیبخش مردم ایران دانست.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران
۶ تیر ۱۳۸۸

فتوای آیت الله مُنطری علیه ولایت سیدعلی خامنه‌ای

منصور امان

فراسوی خبر ۲۱ تیر

موقعیت شکننده رهبر جمهوری اسلامی با دریافت یک ضربه سخت دیگر، ترمیم ناپذیر شده است. آیت الله مُنطری، یک مرجع دینی و وزنه سیاسی که با وجود تصفیه از دستگاه قدرت همچنان نفوذ خود بر لایه‌های پایین و میانی آن را حفظ کرده است، در یکی از شدیدترین انتقادات خود از آیت الله علی خامنه‌ای، او را "چتر" (ستمکار) و ولایتش را "چترانه" خواند.

بیانیه آیت الله مُنطری، نخستین واکنش صریح یک مقام بلندپایه مذهبی در برابر خیز خونبار آقای خامنه‌ای به سوی گسترش قدرت فردی خود به یاری همدستان نظامی و امنیتی اش است.

گفته‌های مکتوب آقای مُنطری، دستور مذهبی (فتوا) خوانده می‌شود و می‌تواند تأثیر خردکننده‌ای بر پایه‌های مشروعیت دینی جایگاه آیت الله خامنه‌ای داشته باشد. اعلام بی‌اعتباری "ولایت" آقای خامنه‌ای از سوی این مرجع شیعه، به ویژه از آن رو که از زبان مُتکر اصلی ساختار سیاسی نظام که بر پایه استبداد ولایت فقیه بنا شده ابراز می‌گردد، حساسیت توجّه‌پذیری می‌یابد.

رویکرد مزبور، کلیه انتقادهایی که آیت الله خامنه‌ای را از زاویه "حفظ اسلام" و بقای حکومت دینی نشانه گرفته، تقویت می‌کند و بدان جان تازه‌ای می‌بخشد. همزمان، فتوای آیت الله مُنطری با زیر سوال بردن میناهای دینی اقدامات آیت الله خامنه‌ای، بحث پیرامون یافتن گزینه به جای وی را از ابزار فشار محرمانه به یک دستور کار واقعی و علنی تبدیل می‌کند.

در این میان، کسانی در آلیگارش‌ی روحانیون همچون حجت الاسلام رفسنجانی که مایل به ایفای نقش پُر رنگ تر و تأثیرگذاری بیشتر بر پروسه رویدادها از طریق بندوبست و داد و ستد هستند، کار خود را مُشکل تر خواهند یافت. آنچه که آنها می‌توانند آقای خامنه‌ای را وادار به سپردن اش کنند، معلوم نیست در پایان روز همان ارزش ابتدایی را داشته باشد.

برای "حفظ نظام" دیگر چه در چننه دارید؟

لیلا جدیدی

فراسوی خبر ۲۵ تیر

رفسنجانی، این میلیاردی حبله گر و مردم فریب، در مقام رییس تشخیص مصلحت نظام در دیدار با جمعی از خانواده‌های بازداشت‌شدگان درون نظام گفت که برای "حفظ نظام"، باید با "افزایش اعتماد افکار عمومی جلوی سوو استفاده دشمنان را گرفت." او حتی مانند بقیه یارانش که لنگ لنگان در ته صف خیزش مردمی حرکت می‌کنند، قرار ندارد؛ جای او کنار دست خامنه‌ایست.

اما این تنها رفسنجانی نیست که به ابزارهای فرسوده و زنگ زده برای انجام پروژه حیاتی "حفظ نظام" آویزان شده است؛ فعالیتها، تحلیلها و رنگ آمیزیهای که برای وارونه نشان دادن واقعه‌ها ابراز می‌شود و از همه مهم تر، چماقها را نیز نباید فراموش کرد.

پس از اینکه گفته شد دست سازمان سیا، انگلیس، غرب، آمریکا، منافقین (مجاهدین خلق) و غیره در خیزشی که میلیونها نفر از مردم میهن آن را به جلو می‌برند در کار است، حال اسماعیل احمدی مقدم، فرمانده نیروی انتظامی رژیم ادعا می‌کند که افرادی از سه چهار سال پیش در خارج کشور آموزشها و دوره‌های انقلاب مخملی دیده‌اند. او ضمن اینکه التماس می‌کند مردم بپذیرند هیچ تقلبی در انتخابات نشده، عاجزانه می‌گوید، لباس شخصیها با هیچ سازمان و نهادهی ارتباط ندارند و از هیچ کجا دستور نمی‌گیرند و این که در کوی دانشگاه عده‌ای "خودسر" وارد شده بودند و با یکدیگر درگیر شدند.

انکار او مبنی بر اینکه افراد حمله‌کننده به مردم ربطی به نهادهی دولتی ندارند دقیقاً به این خاطر است که خامنه‌ای و مزدوران چند رنگ پوش او از سوی همه کسانی که در صحنه بوده و یا صدها فیلم و عکس مستند از سرکوب مردم را مشاهده کرده‌اند، مسوول اصلی سرکوبهای وحشیانه شناخته می‌شوند. این یاوه‌گوییها برای تبریه مزدوران نظام که از میان فرومایه‌ترین و کند ذهن‌ترین افراد در قشرهای جامعه دست چین شده‌اند، ساخته و پرداخته می‌شود.

در حالی که فرمانده نیروی انتظامی خود و رهبرش را پیشاپیش بر صندلی محاکمه در دادگاه مردم می‌بیند، پیشنهاد "جلب اعتماد" رفسنجانی برای "حفظ نظام"، نوش دارویی است پس از مرگ سهراب.

رویدادهای هنری ماه

ویژه خیزش مردم ایران و حمایت‌های هنرمندان از آن

لیلا جدیدی

سخن روز:

"روزی ما دوباره کیوتراهیمان را پیدا خواهیم کرد و مهربانی دست زیبایی را خواهد گرفت." (احمد شاملو، شاعر بیداری و امید)

بیانیه کانون نویسندگان ایران:

گردهمایی به مناسبت نهمین سالگرد درگذشت احمد شاملو

چند دریا اشک می‌باید

تا در عزای اردو اردو مرده بگیریم؟
چه مایه نفرت لازم است

تا بر این دوزخ دوزخ نابه‌کاری بشوریم؟

نه سال از خواب ابدی شاعر بزرگ ما گذشت اما شور و بیداری و امید در ترانه‌های رهایی او هم چنان موج می‌زند و شاید هیچ‌گاه مانند امروز به ما نزدیک نبوده است. شاملو، شاعر آزادی، شاعر آینه‌ها و رویاها، شاعر تعهد به انسان و بیزار از وهنی که بر تبار انسان می‌رود، حضور انسان را بر آفاق روشن آگاهی و رهایی، حیاتی جاودانی بخشید. او بود که در دشوارگذرترین گریوه‌ها و گردنه‌های خطر خیز مردمان را صلا داد:

من درد مشترکم، مرا فریاد کن!

احمد شاملو در سراسر زندگی پُرفراز و نشیب خود هرگز در برابر ستم کاران و دشمنان آزادی، نه سکوت را برتابید، نه سرسپردگی را، نه گردن خم کردن در برابر نواله‌ی ناگزیر را. شعر بلند او، شعری که زندگی است، جز در ستایش آزادی نبود و هیچ‌گاه برای خاموشی و فراموشی سروده نشد. او از هنگام سرودن مرغ دریا در ۱۳۲۶ تا واپسین شعرش در ۱۳۷۸، در همه حال، در زندان و شهر و خانه، با کلامی جادویی آمیزه‌های غرور آفرین از عشق، دادخواهی، آزادی و مردم‌دوستی سر داد. شگفتا که در آخرین قطعه‌ی آخرین شعر به‌چاپ‌رسیده‌اش گفته است: آن‌گاه دانستم / که مرگ / پایان نیست. و شگفت‌تر آن که در نخستین سروده‌اش آورده است که خاموش باش، مرغ! دمی بگذار / امواج سرگردان شده بر آب / کاین خفتگان مرده / مگر روزی / فریادشان برآورد از خاک.

شاملو در کنار سرودن شعر، با دفاع عملی از آزادی بیان از طریق انتشار نشریاتی چون "خوشه" و "کتاب‌جمعه" از پیشنهادان ترویج فرهنگ و ادبیات پیشرو بود. کلام و کردار آزادی‌خواهانه‌ی او که به‌حق سرمشق و

منش نسل پُر امید امروز ماست، ما را جز به راه مبارزه برای تحکیم و گسترش آزادی بیان و اندیشه نمی‌خواند. کانون نویسندگان ایران بر این باور است که گرچه ممکن است چندگاهی آزادی در بند حنجره‌ی خاموش روزگار قادر به خواندن نباشد، بی‌گمان پرندگان قفس شکن اش ... سرانجام آسمان چشم به راه خود را باز خواهند یافت - چنان که روزگار ما گواه آن است.

در نهمین سالگرد درگذشت شاعر بزرگ ایران و جهان، در دوم مرداد ۱۳۸۸ همراه با دیگر دوستداران شاملو در ساعت پنج عصر بر مزارش گرد می‌آیم و یاد جاویدش را گرمی می‌داریم.

داریوش: "میعادگاه ما میدان آزادی، تاریخ و آینده، انسان و آبادی"

داریوش هنرمند محبوب سه نسل ایرانی در تدارک کنسرت بزرگی است که در آن برای نخستین بار بیش از ۱۸۰ تن از هنرمندان ساکن لس آنجلس بر روی صحنه با هم همصدا خواهند شد.

داریوش در هفته‌های گذشته در تظاهرات متعددی که برای همبستگی با مردم ایران برگزار شده شرکت کرده است و یکی از نادر هنرمندانی است که در فعالیتهای اجتماعی از جمله کمک به بهبودی معتادان ایرانی فعال بوده است.

داریوش اقبالی درباره کنسرت آینده خود که در "یونیورسال امفی تئاتر" برگزار خواهد شد می‌گوید: "این کنسرت یک حرکت تازه است با یک شعار تازه: میعادگاه ما میدان آزادی، تاریخ و آینده، انسان و آبادی" او می‌گوید: "این یک فراخوان هنری است. اول آگوست در واقع جشن سی ساله هنرمندان است؛ هنرمندانی که سی سال با مردم و در میان مردم بوده‌اند. روی این صحنه ۱۸۰ تن از هنرمندان، نه فقط خوانندگان بلکه، شاعران، آهنگسازان، نقاشان ... همه و همه حاضر خواهند بود."

لیلا فروهر و بیژن مرتضوی، دو تن از هنرمندانی هستند که برای شرکت در همایش هنرمندان ایرانی در کنسرت

روز اول آگوست به دعوت داریوش پاسخ مثبت داده‌اند. داریوش خواننده و فعال اجتماعی که خود را یکی از حامیان حقوق بشر می‌داند، به تازگی نامه‌ای با امضای ۸۰۰۰ تن از ایرانیان را به عنوان اعتراض به وقایع اخیر در رابطه با سرکوب اعتراض‌کنندگان در ایران و نقض حقوق شهروندی آنان به سازمان ملل ارسال کرده است.

از میان هنرمندان دستگیر شده

سه بازیگر سینما و تیاتر که در درگیریه‌ها و تظاهرات اخیر نقش پر رنگی داشتند توسط یکی از نهادهای امنیتی دستگیر شدند. دستگیر شدگان شامل، مهتاب نصیری‌پور، بازیگر تیاتر و همسر وی محمد رحمانیان است. سینا رازانی هم از بازیگران جوان تیاتر و سینماست. حسین زمان از اعضای سابق سپاه پاسداران و عضو فعال ستاد هنری اصلاح‌طلبان در سالهای گذشته بوده است.

لغو اکثر برنامه‌های هنری

در هفته‌های اخیر بیشتر برنامه‌های فرهنگی و هنری (بیش از ۳۰ برنامه) لغو شده و یا به تعویق افتاده است. دلایلی که ذکر شده مضحک و حیرت‌انگیز است، برای نمونه دلیل لغو یک برنامه، موکول کردن به زمان مناسب‌تر یا مشخص نشدن تعداد دعوت شدگان بوده است. واضح است که در فضا و شرایط اعتراض‌های مردمی و سرکوب نمی‌توان انتظار داشت که مردم به این امور برسند. از سوی دیگر، اعضای گروه‌های فرهنگی و هنری هم خود بخشی از مردم همین جامعه و درگیر همین شرایط هستند.

بیشتر تهیه‌کنندگان این برنامه‌های هنری و فرهنگی از ارایه و اجرای برنامه‌هایشان خودداری می‌کنند چون معتقدند جامعه هنوز برای بازگشت به حالت عادی آماده نیست و در این شرایط عدم استقبال مخاطبان از برنامه‌ها به اعتبار آنها لطمه وارد می‌کند.

بیانیه جمعی از اهالی هنر و فرهنگ

در این بیانیه آمده است: "جمعه بیست و دوم خرداد روز با شکوه‌ی بود. همه بودند. آنها که همیشه می‌آمدند و آنها که هرگز نیامده بودند. همه محترم بودند. هیچکس خس نبود، خاشاک نبود. جمعه بیست و دوم خرداد روز نمایش اعتماد، آگاهی و عقلانیت ملت و درک صحیح مردم از اراده در دست گرفتن سرنوشت خویش بود."

در این بیانیه که تلاش شده است به مصداق نه سیخ بسوزد و نه کباب، رفتار میانه‌ای پیش گرفته شود آمده است: "جامعه هنری ایران همپای این جریان تاریخی، پیشگام حرکت سرنوشت ساز انتخابات ریاست جمهوری دهم شد و در بستر سازی این اعتماد عمومی، به سهم خود تلاش کرد. متأسفانه در هنگامه تجلی این اراده ملی، جریانهای شناخته شده‌ای با سوءاستفاده از امکانات ملی و دولتی به کارگردانی آرا و مدیریت آن پرداختند و در یک اقدام ویرانگر تاریخی، ضربه مهلکی به حقوق مدنی مردم وارد کردند و عملاً بخش گسترده‌ای از جامعه ایران را در آستانه خروج از دایره اعتماد به نظام قرار دادند."

بیانیه مزبور از "تمامی مراجع قانونی و مذهبی درخواست می‌کند، نقش پناه مردم را در این شرایط خطرناک ایفا کنند" و همچنین از "نیروهای نظامی و انتظامی درخواست می‌کند با خویشی داری و پرهیز از خشونت، تصویری جوانمردانه تر از رفتار و فرهنگ ملت ایران را به نمایش گذارند."

عزت‌الله انتظامی، محسن مخملباف و داریوش مهرجویی شماری از نزدیک به ۳۰۰ امضا کننده این بیانیه هستند.

ابتکار هنرمندان به حمایت از مردم

در دو هفته گذشته عده‌ای از هنرمندان ایرانی و هم‌تایان غیرایرانی آنها از جمله جون باتز، ریچی سامبوزا و بان جووی، دست به ابتکارات تازه‌ای زدند تا از طریق موسیقی، صدای جنبش آزادیخواهی مردم داخل ایران را به گوش جهانیان برسانند و بر آن مهر تأیید بگذارند. در این میان، اندی، فرشید امین، حامد و خواننده فولکلوریک قدیمی ایران، مینو جوان هریک به نوبه خود ترانه‌هایی را به مسایل روز و پیامدهای نتایج انتخابات ریاست جمهوری اختصاص داده‌اند که هریک از آنها در شبکه‌های ماهواره‌ای تلویزیونی و بر روی اینترنت به سرعت منعکس شد.

بقیه در صفحه ۱۹

برخی از

رویدادهای هنری

بقیه از صفحه ۱۸
محمد شمس لنگرودی جدیدترین مجموعه شعرش را با عنوان "۲۲ مریه در تیر ماه" برای نخستین بار بر روی شبکه اینترنت منتشر کرد. این کتاب شامل اشعاری مرتبط با اتفاقات اخیر بعد از کودتای انتخاباتی در ایران است. این اشعار در وب لاگ شاعر و وب سایت "هم میهن" موجود است.

محمد شمس لنگرودی، شاعر معاصر ایرانی و از اعضای کانون نویسندگان ایران است. وی استاد دانشگاه بوده و تاریخ هنر درس می دهد. "پنجاه و سه ترانه عاشقانه"، "باغبان جهنم"، "ملاح خیابانها"، و "از جان گذشته به مقصود می رسد" از جمله آثار او می باشد.

بیانیه کانون نویسندگان ایران در حمایت از مطالبات مردم

کانون نویسندگان ایران در بیانیه ای یورش وحشیانه نیروهای سرکوبگر که سبب قتل، مجروح شدن و بازداشت مردم معترض شده اند را محکوم کرده است در این بیانیه آمده است: "کانون نویسندگان ایران بی آن که بخواهد وارد بحث ماهیت انتخابات و درستی یا نادرستی شرکت در آن شود بنا بر منشور و اساسنامه ی خود از آزادی بیان بی هیچ حصر و استثنا برای همه مردم و معترضان و سرکوب شدگان، صرف نظر از عقاید سیاسی آنان، پیگیرانه دفاع می کند."

کانون نویسندگان در همین رابطه خواستار شده است:

۱- به حمله ی وحشیانه به تظاهرات و راهپیمایی آرام و مسالمت آمیز و متمدانه ی مردم پایان داده شود.

۲- اسامی همه کشته شدگان، مجروحان و دستگیر شدگان اعلام، و بازداشت شدگان بی قید و شرط و بی درنگ آزاد شوند.

۳- امکان برگزاری آزادانه ی مراسم بزرگداشت جان باختگان راه آزادی فراهم آید.

۴- سانسور خبری مطبوعات و رسانه ها هر چه زودتر برچیده شود.

۵- به اشغال نظامی تهران و دیگر شهرهای کشور پایان داده شود.

۶- آمران و عاملان کشتار مردم معرفی، محاکمه و مجازات شوند."

منبرو روانی پور به جمع اعتصاب گران در نیویورک پیوست

منبرو منبرو روانی پور، داستان نویس نامی و معاصر ایران با ارسال پیامی سرگشاده به اکبر گنجی، به جمع اعتصاب گران در نیویورک پیوست. در این نامه آمده است: "دو سال ونیم پیش که راهی آمریکا شدم هنوز روی قبر برادرم، برادران و خواهران

حزب الهی و طرفداران شهیدان غزه و فلسطین مدفوع می گذاشتند... نمی توانم تمام آن چه را که این سالها بر ما و بر من گذشته بگویم... نمی توانم بگویم چطور و با چه حسرتی پدر و مادرم از دار دنیا رفتند..."

اما می توانم با شما اعلام همبستگی کنم برای اعتصاب غذایی که اعلام کرده اید. به این امید که، جوانها بتوانند مثل همه جوانهای دنیا زندگی کنند و انسان ایرانی حق حیات و اندیشه داشته باشد و حق بیان آن چه فکر می کند و آن چه می پسندد."

خانم روانی پور در خاتمه می نویسد: "به شما و تمام کسانی که در راه آزادی و عدالت اجتماعی تلاش می کنند درود می فرستم و در کنار شما برای به دست آوردن تمامی حق و حقوقی که زینده نام انسان است می ایستم."

رابرت ردفور در جمع مدافعان حقوق مردم ایران پیوست

رابرت ردفور، بازیگر و کارگردان نامدار آمریکایی، در نامه ای از اعتصاب غذای هنرمندان ایرانی در برابر سازمان ملل متحد در نیویورک حمایت کرد. این هنرمند ارزنده که همواره کار هنری خود را وقف فرستادن پیامهای انسانی کرده است می گوید: "حوادث یک ماه گذشته ایران تکان دهنده بود. بسیاری از مردم در این رویداد کشته و صدها انسان بیگناه زندانی شدند" و او "قویا از حقوق بشر مردم ایران دفاع می کند."

پیشتر، هنرمندانی چون گوگوش، ابی، شهریار قنبری، بهروز وثوقی و فرامرز اصلانی نیز با صدور اعلامیه هایی اعلام کرده بودند که در اعتصاب غذا و تحصن ایرانیان در برابر سازمان ملل شرکت خواهند کرد. همچنین رضا براهنی، نویسنده، شاعر و منتقد ادبی نیز از این جمع حمایت کرده است.

اثر جدید "کارگاه هنر ایران" در یادبود جمشید شیبانی، خواننده ترانه ی معروف "سیمین بری"

جمشید شیبانی، یکی از نخستین خوانندگان ترانه های پاپ به سبک امروزی بود. او از سال ۱۳۱۷ خورشیدی همراه با

مجید محسنی به نخستین مدرسه هنرپیشگی در تهران رفت. دو سال بعد وارد رادیو شد و معروفترین ترانه خود، "سیمین بری" را خواند.

جمشید شیبانی یکی از شرکت کنندگان برنامه ی "صد سال ترانه" بود که دو سال پیش در لندن برگزار شد و از او به عنوان یکی از نخستین بنیانگذاران موسیقی مدرن در ایران تقدیر کرد. "کارگاه هنر ایران" همگام با قیام مردم ایران، ترانه "سیمین بری" را با شعری به نام "ای هم صدا با من بزنی فریاد" از خانم "فریاد" بازخوانی کرده است.

ای هم صدا با من بزنی فریاد

از ریشه برکن، ریشه ی بیداد
ویران کن این سامانه از بنیاد
آوای تو، آوای من چو با هم درآمیزد
ناقوس این فریاد ما جهان را برانگیزد
جهان را برانگیزد
ای همدل و ای همزبان
گر با منی با من بخوان
تا زهر چشم آسمان،
به چشم ستم باشد
از سینه ی آزاد ما
خواهد شدن بنیاد ما،
اسطوره ی فریاد ما
چو با هم یکی باشد

۲

خورشید مشرق می طپد خونین
شد از شقایق خاک ما رنگین
نفرین بر این ویرانگران، نفرین
کز نامشان، گیرد نشان، شب تیره ی
سنگین
تاریخ ما، شده لوحه ی این مقطع ننگین
این مقطع ننگین
شد دامن این مادران،
گهواره ی پیر زمان
کز چشمشان، کز چشمشان
ستاره فرو ریزد
ستاره فرو ریزد
هر قطره ای باران شود،
سبلی شود غلتان شود
توفان شود، توفان شود
جهان را برانگیزد
جهان را برانگیزد ...

۳

این شب پذیرد عاقبت پایان
کانون ظلمت می شود ویران
پاینده مانی خاک من "ایران"
ای در سرشت سرنوشت بی قرارها
سر می دهم در راه تو، ای خاک بی
همتا ...

ای خاک بی همتا ...
ای خاک بی همتا ...

(نماهنگ این ترانه را می توانید در
آدرس زیر مشاهده کنید:

<http://www.youtube.com/watch?v=DcD55ywXnKE>

نبرد خلق

ارگان

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

تحریریه: لیلا جدیدی

منصور امان

حضر پویه

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبرد خلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبرد خلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبرد خلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای اشتراک نبرد خلق با آدرسهای نبرد خلق تماس بگیرید

بهای اشتراک سالانه
فرانسه ۲۰ یورو
اروپا معادل ۲۴ یورو
آمریکا و کانادا ۳۶ یورو
استرالیا ۴۰ یورو

تک شماره ۱ یورو
اخبار و گزارشهای جنبش کارگران، مزدبگیران و کارکنان ایران، اخبار تحولات ایران، عراق و مسائل بین المللی مربوط به آن، اخبار و دیدگاههای جنبش زنان را هر روز در سایت ایران نبرد بخوانید.

آدرس سازمان در شبکه جهانی
اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار

رویدادهای روز ایران و جهان،

تحلیل مسائل روز، دیدگاهها

بخش شنیداری (رادیو پیشگام)

www.iran-nabard.comwww.jonge-khabar.comwww.radiopishgam.comwww.fadaian.org

NABARD - E - KHALGH

No : 289 23 juillet. 2009 / Price: \$ 1 - 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD / P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

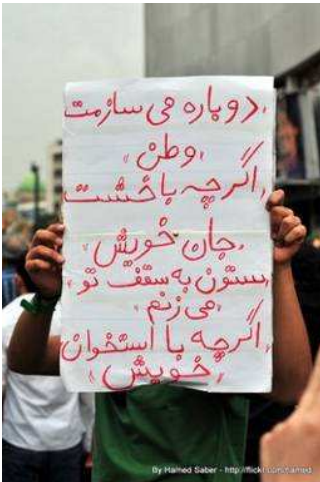
E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

ضرورت تشکیل کمیته بین المللی

تحقیق و پیگیری وضعیت

بازداشت شدگان و مفقودین



جعفر پویه

رژیم ددمنش جمهوری اسلامی برای زهر چشم گرفتن از جوانان و ایجاد رعب و وحشت در خانواده های آنان برای جلوگیری از اعتراض فرزندان خود و روانه خیابان شدن آنها، به عمد از آرایه آمار بازداشتیها و تعداد کشته شدگان سرباز می زند. این عمل رژیم به دو دلیل عمده انجام می گیرد، اول اینکه با اینکار رعب و وحشت را در دل مردم بیشتر می کند و در ثانی به دلیل آمار بسیار بالای کشته شدگان و هراس از اعتراض یکپارچه و تند بین المللی علیه ددمنشی گماشته های استبداد، سعی بر لاپوشانی آن دارد. اعلام قطره چکانی آمار کشته شدگان، شقاوت و ددمنشی عمال قاتل و آدمکش را کوچک جلوه می دهد.

این درحالی است که بنابه نوشته سایت نوروز، خانواده یکی از مفقود شدگان در پیگیری خود توسط مقامهای دولتی به سردخانه ای در جنوب غربی تهران که مخصوص نگهداری میوه و محصولات لبنی است برده شده و در آنجا الیومی حاوی تصاویر صدها کشته در اختیار آنها گذشته اند تا جنازه فرزندشان را از بین آنها پیدا کنند.

مادر این خانواده می گوید، در زمان خروج از این سردخانه، پیکر صدها کشته را دیده است که در آنجا روی هم گذاشته شده بودند.

با این حساب تنها در یکی از سردخانه های بی نام و نشان که مخصوص نگهداری میوه است، رژیم ددمنش جسد صدها تن از قربانیان خود را به صورت ناشناس نگهداری می کند. این به غیر از کشته شدگانی است که توسط آمبولانسها و یا مردم به بیمارستانها برده شده اند که آنها هم این جنازه ها را در سردخانه پزشکی قانونی نگهداری می کنند. به زبان دیگر، رژیم جمهوری اسلامی با خودداری از آرایه آمار دقیق بازداشتیها و زندانیان، در اصل آمار کشته شدگان را از چشم مردم و نهادهای بین المللی پوشیده نگه می دارد زیرا اینگونه آنها می توانند به طور موقت امید به زنده بودن عزیزانشان را در خانواده ها همچنان زنده نگه دارند و با این ترفند ردیلانه آنها را از دست زدن به اعتراض وسیع بازدارند.

عدم اطلاع رسانی درباره زندانیان و بازداشتیهای سرشناس که بعضی از آنها از مقامهای بلند پایه گذشته رژیم نیز هستند می تواند از هم اینجا نشات گیرد. و همچنین شکنجه و وادار کردن بازداشت شدگان به اعترافات دروغین و نگه داشتن شمشیر داموکلس اعدام بر بالای سر آنان نیز گسترش آزار و اذیت از زندان و زندانی به داخل خانواده های آنان است.

ضرورت تشکیل یک کمیته پیگیری بین المللی درباره زندانیان و بازداشت شدگان و همچنین تعداد کشته شدگان و جلوگیری از شکنجه بیشتر و احتمال اعدام آنان بیش از گذشته خودنمایی می کند. نماینده دبیرکل سازمان ملل و یک کمیته بین المللی در این باره می توانند به عنوان اهرمی با دو کارکرد، پیگیری اعلام تعداد واقعی بازداشت شدگان و زندانیان و همچنین تعداد کشته شدگان و شهدا که به دست عوامل رژیم انجام پذیرفته است را شتاب بخشد.

۲۵ تیر ۸۸

همراه با خانواده های

دستگیر شدگان و ناپدید شدگان

برای آزادی زندانیان سیاسی

زینت میرهاشمی

روز دوشنبه ۲۲ تیر، پیکر گلوه خورده زنده یاد سهراب اعرابی در میان فریادهای مادرش به خاک سپرده شد. مادرش گفت: «من سکوت نخواهم کرد.» در همین روز خبر جان باختن جوانی به نام یعقوب پروانه به دنبال زخمی شدن توسط گلوه های بسیجیها در بیمارستان پخش شد. یعقوب پروانه در لحظه های پایانی زندگی اش دستان مادرش را گرفت و گفت: «مادر من برای آزادی کشته شدم.»

دستگیری حدود ۲۰۰۰ تن توسط نیروهای سرکوبی تا کنون اعلام شده است اما خبرها حکایت از دستگیری بیش از ۴۰۰۰ تن می کند. خانواده های دستگیر شدگان و ناپدید شدگان صبح روز دوشنبه ۲۲ تیر در برابر بیدادگاه انقلاب و زندان اوین تجمع کردند. تشدید زندان و شکنجه از ابزارهای اصلی حکومتیهای دیکتاتوری در لحظه های سرآشویی قدرتشان است. به درازای قدمت مبارزه برای دموکراسی و آزادی در جهان، چه سرها به بالای دار رفته و چه شکنجه ها اعمال شده است. اما باز می بینیم و می بینیم که از میان این همه خشونت، چه دلهایی برای رسیدن به این گوهر بی همتا می تپد و چه سهرایی که بی باکانه بر فراز می آید. این همان رمز و راز است که شب پرستان توانای هضم آن را ندارند. رمز و رازی که از شیر سینه ها و لبها به هموردی در خیابانها و چوبه های دار ره می برد.

از سازمان ملل متحد می خواهیم که هیأت ویژه ای برای رسیدگی به وضعیت زندانها هر چه سریعتر به ایران بفرستد. از هر طریق ممکن به خانواده های دستگیر شدگان برای آزادی فرزندانشان باید یاری کرد. سکوت همان چیزی است که سرکوبگران می خواهند و مادر سهراب به درستی گفت که «سکوت نخواهم کرد.» خامنه ای عامل اصلی همه این جنایتها است و باید با شعار مرگ بر خامنه ای او را هدف قرار داد و همراه با مادر سهرابها گفت که سکوت نخواهیم کرد.

فراسوی خبر ۲۳ تیر ۸۸

شهدای فدایی مرداد ماه

رفقا: زین العابدین رشتچی - غلامرضا بانژاد - حسین الهیاری - محمد صفاری - آشتیانی - عباس جمشیدی رودباری - داریوش شفاثیان - عباسعلی شریفیان - قدرت الله شاهین سخن - فرزاد صیامی - عبدالکریم عبدالله پور - فرامرز شریفی - فرخ سپهری - مهدی فضیلت کلام - مهدی یوسفی - حسن کهل - ابراهیم جلالی - فیروز صدیقی - ونداد ایمانی - گودرز همدانی - جهانبخش پایداری - جمیل اکبری آذر - جمشید پورقاسمی - مرتضی (امیر) فاطمی - محمدرسول عزیزیان - بیژن مجنون - هادی حسین زاده کرمانی - زهرا فرمانبردار - عظیم سرعتی - مسعود جعفرپور - فریدون شافعی - جواد کاشی - یوسف کبشی زاده - احمد زبیرم - سعید میرشکاری - هرمز گرجی بیانی - ابوالقاسم رشوند سرداری، از سال ۵۰ تاکنون در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع به دست مزدوران رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند، یادشان گرامی باد

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی - زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم